

۷- تمرین و تکرار: تأثیر تمرین و تکرار در کل فرایند یادگیری و حیطه‌های مختلف آن به ویژه در حیطه روانی حرکتی انکارناپذیر است؛ اما باید شرایط و ویژگی خاصی داشته باشد، از جمله باید منظم و مرتب و در شرایط طبیعی و واقعی انجام پذیرد.

۸- احساس نیاز: دانش‌آموز باید از ناکافی بودن دانش و مهارت‌های فعلی خویش آگاه شود تا با انگیزه و رغبت بیشتر به تحصیل بپردازد.

۹- دانستن تصور روشن از دانش و مهارت‌هایی که باید کسب شود. اگر دانش‌آموز بداند که یادگیری جدید او به چه دانش و مهارتی منتهی می‌شود، یادگیری برای او هدف دارتر می‌شود. در اینجا است که نقش هدف‌های رفتاری ظاهر می‌گردد. در این باره معلم باید هدف‌های رفتاری هر درس را با دقت بیان کند و دانش‌آموزان را از تغییراتی که در اثر آموختن در دانش و مهارت آنان حاصل می‌شود، آگاه گرداند.

۱۰- آگاهی از پیشرفت: معلم باید دائماً دانش‌آموز را از میزان پیشرفت او در درس مطلع گرداند، زیرا دانش‌آموز هنگامی که احساس کند در حال پیشرفت است، برای ادامه یادگیری شوق و انگیزه بیشتری می‌یابد.

۱۱- توجه و دقت: توجه، مقدمه ادراک، یادگیری و تفکر است.

تدریس یک فعالیت است؛ فعالیتی آگاهانه که براساس هدفی خاص و بر پایه وضع شناختی فراگیران انجام می‌گیرد. در هر صورت اگر یادگیری را «تغییر در رفتار فراگیر در اثر تجربه» بدانیم، بدون شک فعالیتی که موقعیت را برای کسب تجربه آسان کند و تغییر لازم را سبب شود، تدریس نام دارد و در نتیجه عمل تدریس یک سلسله فعالیت‌های مرتب، منظم، هدف دار و از پیش طراحی شده است. عوامل مؤثر در تدریس: تدریس یک فرایند است و عوامل بی شماری در آن نقش دارند که همه آنها قابل مطالعه و کنترل نیستند.

عواملی همچون شخصیت معلم، زمینه‌های علمی و تجربی او در روابط اجتماعی و خانوادگی دانش‌آموزان، زمینه‌های علمی و ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان، اهمیت موضوع درس، قوانین و مقررات نظام آموزش و به طور کلی جامعه‌ای که معلم و دانش‌آموز در آن زندگی می‌کنند، در کیفیت تدریس معلم تأثیر می‌گذارد.

باید در نظر داشت معلم در ایجاد موقعیت مناسب یادگیری، قادر به تغییر و کنترل بسیاری از عوامل نیست؛ اما تا حدی می‌تواند با تعیین هدف‌های صریح اجرایی و اتخاذ الگو و روش‌های مناسب تدریس و تهیه و به کارگیری تجهیزات لازم و ایجاد نوعی ارتباط سالم با دانش‌آموزانش،

کیفیت تدریس خود را متحول کند.

الگوی تدریس چیست؟

الگوی تدریس، چارچوب ویژه‌ای است که عناصر مهم تدریس در آن قابل مطالعه است و شناخت و آگاهی از عناصر و عوامل مذکور می‌تواند معلم را در اتخاذ روش‌های مناسب تدریس کمک کند. تدریس یک فرایند است و چنان که گفته شد، عوامل بی شماری در آن نقش دارند که همه آنها قابل مطالعه و کنترل نیستند، پس معلم باید چارچوب کوچکی از فرایند تدریس را به عنوان الگو انتخاب کند. یک نمونه الگوی عمومی و دو نمونه از الگوهای تدریس عبارت اند از:

۱- الگوی پیش سازمان دهنده

۲- الگوی حل مسئله

الگوی عمومی تدریس

این الگو نخستین بار توسط رابرت گلنر در سال ۱۹۶۱ مطرح شد و بعدها راجر رابینسون در سال ۱۹۷۱ تغییراتی در آن به وجود آورد. این الگو در عین سادگی فرایند تدریس را به خوبی توصیف می‌کند و به معلم در سازمان دادن فرایند تدریس کمک می‌کند.

در الگوی عمومی تدریس فرایند تدریس را می‌توان به پنج مرحله تقسیم کرد:

مرحله اول: تعیین هدف‌های تدریس و هدف‌های رفتاری

معلم قبل از تدریس اطلاعات، مفاهیم، اصول و سایر مطالب و محتوای درس را به صورت هدف‌های کاملاً صریح و روشن مشخص می‌کند.

مرحله دوم: تعیین رفتار ورودی (آموخته‌های گذشته و ...) و ارزشیابی تشخیصی (تعیین توانایی‌های فراگیران) که همان تشخیص میزان آمادگی فراگیران است.

مرحله سوم: تعیین شیوه‌ها و وسایل تدریس

در این مرحله معلم باید شیوه‌ها و وسایل تدریس خود را با توجه به مفاهیم درس، شرایط و امکانات و ویژگی‌های فراگیران انتخاب کند.

مرحله چهارم: سازماندهی شرایط و موقعیت آموزشی

معلم باید قادر باشد که با ابتکار و خلاقیت، حداکثر استفاده را از امکانات موجود، در تدریس و تحقق هدف‌های آموزشی به کار ببرد.

مرحله پنجم: ارزشیابی و سنجش عملکرد

مرحله نهایی این الگو به ارزشیابی میزان یادگیری دانش‌آموزان پس از پایان تدریس اختصاص دارد.

الگوی پیش‌سازمان دهنده

پیش‌سازمان دهنده، یک مطلب یا مفهوم کلی است که در مقدمه تدریس می‌آید تا مبحثی را که به دانش‌آموزان ارائه می‌شود، با مباحث پیشین همان درس مربوط سازد و در عین حال پایه‌ای برای ارتباط مفاهیم بعدی با مفاهیم پیشین شود و دانش‌آموز بتواند تمام مباحث درس را به صورت یک ساخت منظم و سازمان یافته در ذهن خود جای دهد.

ویژگی‌های الگوی پیش‌سازمان دهنده:

۱- **مراحل اجرای الگوی پیش‌سازمان دهنده:** گام اول در این الگو مطالب پیش‌سازمان دهنده است که کلی است. گام دوم، ارائه مطالب و مفاهیم درس جدید است. در گام سوم، باید مثال‌ها و نمونه‌هایی برای تفهیم بیشتر مطالب جدید آورده شود و سرانجام مثال‌ها باید به گونه‌ای ارائه شود که با مفهوم پیش‌سازمان دهنده مرتبط شوند؛ مثلاً معلمی که می‌خواهد اندام‌های تولیدمثل گیاه را درس بدهد، او درس را مستقیماً از خود موضوع شروع نمی‌کند، بلکه درس را با این مفهوم که «تمام جانداران پرباخته برای بقای نسل تولیدمثل می‌کنند» آغاز می‌کند. پس از یادآوری و تشریح چگونگی تولیدمثل در جانداران، موضوع درس جدید، پرچم و مادگی چند گل معروف و آشنا را مستقیماً یا به وسیله اسلاید نشان می‌دهد.

معلم در بیان تولیدمثل جانداران، سعی می‌کند با استفاده از اطلاعات و آگاهی‌های دانش‌آموزان فهم مطالب جدید را آسان سازد؛ زیرا دانش‌آموزان در جلسات گذشته با مفاهیم تولیدمثل جانداران آشنا شده‌اند. در واقع او با بیان تولیدمثل جانداران، پایگاهی ذهنی برای فهم درس جدید در ساخت شناختی دانش‌آموز ایجاد می‌کند. این پایگاه، نقش پیش‌سازمان دهنده را به عهده دارد.

۲- چگونگی کنش و واکنش معلم نسبت به دانش‌آموزان در الگوی پیش‌سازمان دهنده:

نقش ارائه‌کننده مفاهیم پیش‌سازمان دهنده و مطالب درسی را دارد و دانش‌آموزان، دریافت‌کننده و پذیرنده مطالب درسی‌اند. معلم باید برای ارائه مطالب درسی مناسب‌ترین پیش‌سازمان دهنده را انتخاب کند و مطمئن شود که دانش‌آموزان آن پیش‌سازمان دهنده را درک کرده‌اند و می‌توانند آن را با مطالبی که بعداً عرضه می‌شود، ربط دهند.

معلم می‌تواند برای فعال‌تر کردن دانش‌آموزان از وسایل مختلف آموزشی کمک بگیرد و باعث

برانگیختن ذهن و توجه آنان شود. همچنین با مطرح ساختن پرسش‌هایی، دانش‌آموزان را به اندیشیدن درباره‌ی مطالب درس تشویق کند. جهت ارتباط از طرف معلم به سوی دانش‌آموزان است.

۳- روابط میان گروهی در الگوی پیش‌سازمان‌دهنده: در این الگو، به دلیل یک سو به بودن جهت انتقال، اطلاعات از معلم به دانش‌آموزان منتقل می‌شود و در نتیجه، امکان کشف و جست‌وجوی مفاهیم برای دانش‌آموزان محدود می‌شود.

۴- در این الگو معلم با فرد فرد فراگیران ارتباط پیدا می‌کند ولی این ارتباط یک طرفه است؛ یعنی دانش‌آموزان معمولاً با او و با یکدیگر ارتباط ندارند. در واقع معلم بر کلاس مسلط است. برای افزایش روابط میان گروهی، معلم می‌تواند با طرح پرسش‌هایی راهنمایی‌کننده، فراگیران را به شرکت در بحث‌های کلاس علاقه‌مند کند و از این راه، امکان ارتباط بیشتر آنان را با یکدیگر فراهم سازد.

۵- شرایط و منابع لازم در الگوی پیش‌سازمان‌دهنده: در این الگو، معلم و کتاب و کلاس درس فقط منابع و شرایط آموزشی هستند. شرط اصلی به کار بردن این الگو، وجود معلمی است که از روش‌ها و شگردهای مناسب برای تدریس، طبق الگوی پیش‌سازمان‌دهنده آگاهی داشته باشد.

محاسن و محدودیت‌های این الگو: الگوی پیش‌سازمان‌دهنده در نظام‌های آموزشی فقیر که معلمانی با تجربه ولی امکانات آموزشی محدود دارند، الگوی مناسبی است. در این الگو از یک زمان آموزشی محدود می‌توان استفاده کرد و گروه‌کثیری از دانش‌آموزان با کمترین امکانات آموزشی درس را می‌آموزند. این الگو برای دروس نظری مناسب است.

در این الگو چون معلم تصمیم‌گیرنده‌ی فعالیت آموزشی است، دانش‌آموزان در فعالیت آموزشی نقشی ندارند.

در چنین الگویی، محتوا با زندگی واقعی دانش‌آموزان چندان ارتباطی ندارد؛ به همین دلیل اگر آنان مواد موردنظر را آموختند و امتحان دادند، هدف آموزشی تأمین شده است. همچنین در این الگو به مسائل روانی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان کمتر توجه می‌شود و رضایت خاطر آنان چندان مورد توجه نیست.

دانش‌آموزان در یادگیری از طریق حل مسئله با بهره‌گیری از تجارب و دانسته‌های پیشین خود، درباره‌ی رویدادهای محیط خود می‌اندیشند تا مشکلی را که با آن مواجه شده‌اند، به نحو قابل قبولی حل کنند.

الگوی حل مسئله

مدرسه مطابق الگوی حل مسئله، دانش‌آموزان را در وضعی قرار می‌دهد که او فرضیه‌های خود را از راه پژوهش و کاوش و به مدد شواهد موجود یا گردآوری شده، می‌آزماید و شخصاً از آنها نتیجه‌گیری می‌کند و ضمن رسیدن به هدف مورد نظر از روش‌های دانش‌اندوزی و جمع‌آوری اطلاعات نیز آگاه می‌شود. در الگوی حل مسئله دانش‌آموز محور فعالیت است و اطلاعات علمی مستقیماً به او انتقال داده نمی‌شود. معلم با طرح مسئله، دانش‌آموز را به فعالیت وادار می‌کند و در جهت حل آن او را راهنمایی می‌کند. روابط میان گروهی بین دانش‌آموزان وجود دارد و انتقال دوسویه (بین معلم و دانش‌آموز) است و شرایط و منابع آموزشی منحصر به کلاس و کتاب درسی نیست. الگوی حل مسئله به زمان، مکان، امکانات و معلمان باتجربه، بسیار نیازمند است.

مراحل اجرا در الگوی حل مسئله: کلاس به گروه‌های ۵ یا ۶ نفره تقسیم می‌شود:

- ۱- یک مسئله طرح می‌شود (مسئله باید پاسخ‌پذیر و حل آن برای دانش‌آموزان امکان‌پذیر باشد).
 - ۲- دانش‌آموز با کمک و هدایت معلم اطلاعات مورد نیاز را از طریق مطالعه و مشاهده گردآوری می‌کند.
 - ۳- دانش‌آموز راه‌های احتمالی را حدس می‌زند و فرضیه‌سازی می‌کند. در این مرحله دانش‌آموز ناگزیر است به تفکر پردازد.
 - ۴- آزمایش فرضیه صورت می‌گیرد. برای آزمایش فرضیه دانش‌آموز باید اطلاعات و شواهد موجود را تحلیل کند و عواملی را که به پذیرش یا رد فرضیه منجر می‌شود، مشخص کند (در صورت نیاز، معلم اطلاعات زمینه‌ای در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد).
 - ۵- نتیجه‌گیری، اساس این الگوست و دانش‌آموز باید پیش‌بینی کند که نتایج به دست آمده چه قدر و تا چه اندازه به موارد جدید قابل تعمیم است و اینکه او دانش به دست آمده را در حل مسئله به کار گیرد.
- در این الگو همه دانش‌آموزان با همدیگر و نیز با معلم در ارتباط اند و نقش معلم، نقش مشاور و راهنماست.

مهارت ارزشیابی

اگر یادگیری را تغییر در رفتار دانش‌آموز در اثر تجربه‌های آموزشی بدانیم، ارزشیابی عبارت است از اندازه‌گیری میزان تغییرات ایجاد شده براساس هدف‌های تعیین شده در فعالیت‌های آموزشی

و تجزیه و تحلیل و تفسیر نتایج آن. ارزشیابی همواره در جهت پیشرفت تحصیلی و ناظر بر هدف‌های آموزش است و در واقع بدون توجه به هدف‌های آموزشی از پیش تعیین شده ارزشیابی تحصیلی معنا نخواهد داشت. در همین جهت ترس و اضطراب از ارزشیابی نزد دانش‌آموزان بیشتر ناشی از عملکرد نادرست معلمان و روش‌های نادرست ارزشیابی است. هدف‌های ارزشیابی را می‌توان در مقوله‌های زیر به طور کلی بررسی کرد:

۱- ارزشیابی به‌عنوان وسیله‌ای برای شناخت توانایی و زمینه‌های علمی دانش‌آموزان و تصمیم‌گیری برای انجام دادن فعالیت‌های آموزشی است.

۲- برای شناساندن هدف‌های آموزشی در فرایند تدریس است.

۳- برای بهبود و اصلاح فعالیت‌های آموزشی است.

۴- برای شناخت نارسایی‌های آموزشی دانش‌آموزان و تلاش برای ترمیم و بهبود آنهاست.

۵- برای ایجاد رغبت و کسب عادات صحیح آموزش در دانش‌آموزان است، نه صرفاً برای تهدید و تعیین افراد قوی و ضعیف.

ارزش‌گذاری اگر به نحو مطلوب انجام گیرد، مستقیماً در بهبود چگونگی یادگیری دانش‌آموزان تأثیر خواهد گذاشت، زیرا به آنها از میزان تلاش برای یادگیری و پیشرفت تحصیلی و ایجاد انگیزه خبر خواهد داد. همچنین ارزشیابی تدریجی و دائمی باعث مرور مطالب از قبل یاد گرفته شده می‌گردد.

انواع ارزشیابی

۱- ارزشیابی تشخیصی که به منظور تعیین معلومات و رفتار ورودی و کشف دلایل اصلی مشکلات در یادگیری است.

۲- ارزشیابی تکوینی که به منظور اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در مراحل مختلف تدریس که دو مقوله گام به گام پیش رفتن در یادگیری و اصلاح روش تدریس را دربر می‌گیرد.

۳- ارزشیابی پایانی (ارزشیابی تراکمی) که به منظور تعیین مقدار آموخته‌های دانش‌آموزان در طول یک دوره آموزشی و قضاوت درباره اثر بخشی کار معلم و برنامه درسی انجام می‌گیرد.

انواع ارزشیابی برحسب نحوه اجرا

۱- ارزشیابی انفرادی که شامل ارزشیابی شفاهی و یا عملی است.

۲- ارزشیابی گروهی که شرایط یکسانی را برای همه دانش‌آموزان فراهم می‌آورد و معمولاً به صورت امتحان کتبی است.

انواع ارزشیابی برحسب تفسیر نتایج

- ۱- ارزشیابی معیاری که بر اساس معیار و ملاک مطلق از قبل تعیین شده تهیه می‌شود.
- ۲- ارزشیابی هنجاری که بر مبنای معیار و ملاک نسبی فراهم می‌گردد و در آن دانش‌آموزان از نمره زیاد به کم ردیف می‌شوند.

روش‌های مختلف ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

در فرایند ارزشیابی، معلم نباید تنها از یک روش خاص استفاده کند، زیرا بسیاری از جنبه‌های رفتاری مختلف دانش‌آموزان را نمی‌توان به مرحله‌آزمون‌های ساده تنزل داد و باید آنها را در موقعیت واقعی سنجید. با توجه به تغییراتی که در حیطه‌ی مختلف یادگیری به وجود می‌آید، حداقل چهار روش ارزشیابی به شرح زیر وجود دارد.

۱- **ارزشیابی از طریق مشاهده:** هنگامی که از طریق مداخله‌ی حواس به خصوص دیدن درباره‌ی رفتار یا عمل معینی از فرد داوری می‌کنیم، از روش مشاهده استفاده کرده‌ایم. این شیوه از جنبه‌های مختلف بررسی شده است که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

– مشاهده از لحاظ تعمق و دقت

– مشاهده از لحاظ خارجی یا داخلی بودن

خارجی: مشاهده‌ی رفتار فرد در حین انجام عمل و ثبت خصایص وی

داخلی: بیان خصوصیات رفتاری توسط خود فرد

– مشاهده از لحاظ موقعیت

طبیعی: بدون آگاهی، رفتار و کار دانش‌آموز را زیر نظر بگیریم.

تصنعی: پس از فراهم کردن شرایطی خاص، رفتار دانش‌آموز را بررسی کنیم.

– مشاهده مستقیم یا غیرمستقیم

در مشاهده مستقیم امکان بروز رفتار تصنعی در دانش‌آموز زیاد است ولی در مشاهده

غیرمستقیم، مشاهده کننده پنهان است و رفتار طبیعی تری بررسی می‌شود.

مزایا و محدودیت‌های روش مشاهده

الف) مزایا

– تفاوت‌های فردی در زمان غیرمحدود بررسی می‌شود که می‌تواند نشان‌دهنده‌ی فعالیت‌های

طبیعی دانش آموزان باشد.

– برای همه گروه‌های آموزشی (سنین و مراحل مختلف تحصیل) قابل اجراست.

ب) محدودیت‌ها

– انجام این روش مستلزم دقت، هوشیاری و صرف وقت زیاد است.

– امکان ایجاد موقعیت مناسب برای همه دانش آموزان فراهم نیست. تفاوت تفسیر رفتار در

همگان وجود دارد.

۱- ارزشیابی از طریق انجام کار: اگر تغییرات ایجاد شده در دانش آموز در حیطه روانی-حرکتی باشد، لزوماً باید از این شیوه استفاده شود و تفاوت آن با شیوه مشاهده در این است که دانش آموز می‌داند که مورد آزمایش است و شرایط برای همه یکسان است. امتحان آزمایشگاه، کارگاه و ورزش از این طریق انجام می‌گیرد.

ارزشیابی از طریق آزمون شفاهی شیوه مناسبی برای سنجش معلومات، قدرت بیان، نظم فکری، استدلال، تمرکز افکار و شناخت حالات درونی مانند ترس و اضطراب است.

مزایا و محدودیت‌های این شیوه

الف) مزایا

– این گونه ارزشیابی می‌تواند بازخوردی فوری داشته باشد و مهارت‌های دانش آموزان را در رویارویی با واقعیت‌ها به دقت بسنجد.

– این گونه ارزشیابی قدرت بیان و استدلال دانش آموزان و اظهار نظر آنها را در حضور جمع تقویت می‌کند.

– این ارزشیابی برای دانش آموزان دوران آمادگی و کلاس اول که قدرت نوشتاری کمی دارند، مناسب است.

ب) محدودیت‌ها

– این شیوه مستلزم صرف وقت زیاد و در نتیجه خسته کننده است و به تدریج از دقت آزمایش کننده کاسته می‌شود.

– دانش آموزان ممکن است به دلیل نقص بیان از گفتن پاسخ خودداری کنند.

– عوامل محیطی بر دانش آموز تأثیر فراوانی می‌گذارد؛ به نحوی که ممکن است وی به جای پاسخ صحیح، کلمات مبهمی به کار ببرد.

– عینیت و اعتبار ارزشیابی شفاهی نسبت به آزمون کتبی کمتر است.

۱- ارزشیابی از طریق آزمون کتبی: این آزمون‌ها بر دو نوع است:

الف) آزمون‌های استاندارد شده

ب) آزمون‌هایی که معلم طرح کرده است.

آزمون‌های استاندارد شده توسط مؤسسات آزمون‌سازی به منظور ارزشیابی دوره‌های تحصیلی گروه‌های بزرگ دانش‌آموزان طراحی می‌شود که همراه با راهنمای دقیق در اختیار معلم قرار می‌گیرد و دارای پایایی و اعتبار است.

آزمون‌هایی که معلم طرح می‌کند، غالباً برای تعیین میزان موفقیت دانش‌آموزان در رسیدن به هدف‌های آموزشی طرح ریزی می‌شود.

تفاوت بین آزمون‌های استاندارد شده و آزمون‌های معلم

۱- آزمون‌های استاندارد در مقایسه با آزمون‌های معلم به زمان و تخصص بیشتری نیاز دارد.

۲- نتایج آزمون‌های استاندارد، مشخص، قطعی و قابل بررسی است.

۳- آزمون‌های استاندارد برای استفاده در مناطق مختلف و مقایسه دانش‌آموزان مدارس مناطق مختلف با یکدیگر تهیه می‌شود.

انواع آزمون‌های معلم: معمولاً به دو صورت عینی و انشایی است.

آزمون‌های عینی جواب‌های معین و از پیش تعیین شده دارند که انواع آن عبارت‌اند از:

۱- پرسش‌های چندگزینه‌ای

۲- پرسش‌های صحیح و غلط

۳- پرسش‌های جورکردنی

۴- پرسش‌های کامل کردنی

۵- پرسش‌های کوتاه پاسخ

آزمون تشریحی که بیشتر معلمان به علت سهولت تهیه از آنها استفاده می‌کنند، جهت ارزشیابی سطوح بالای شناختی از جمله تجزیه و تحلیل، ترکیب و قضاوت بسیار اهمیت دارد ولی محدودیت‌هایی نیز از قبیل دخالت نظر تصحیح‌کننده، وقت‌گیر بودن تصحیح، عدم امکان سنجش سرعت انتقال و آمادگی ذهنی دانش‌آموزان دارد.

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

ارزشیابی یکی از عناصر بسیار مهم برنامه درسی است که تنها به پرسش‌های کلاسی یا آزمون‌های پایانی محدود نمی‌شود. وقتی که محصول برنامه درسی به شکل بسته آموزشی در اختیار مخاطبان و مجریان قرار گرفت، انتظار می‌رود معلمان به منظور اطمینان از میزان تحقق اهداف برنامه، از آزمون‌ها و شیوه‌های توصیه شده برای ارزشیابی استفاده کنند. پیشنهاد می‌شود در انتخاب شیوه‌های ارزشیابی اصول زیر رعایت شود:

۱- شیوه ارزشیابی با اهداف آموزشی و سایر عناصر برنامه متناسب باشد و معلوم کند که هر کدام از شیوه‌ها و مهارت‌ها چه دانش، مهارت و نگرشی را اندازه می‌گیرد.

۲- شیوه ارزشیابی باید با رویکرد برنامه تناسب داشته باشد؛ مثلاً در برنامه‌ای که فعالیت محور است، شیوه‌های ارزشیابی در عین توجه به فرایند آموزش، نتیجه و محصول آموزشی را نیز مورد توجه و سنجش قرار می‌دهد.

۳- شیوه انتخاب شده، نسبت به سایر شیوه‌ها، کارایی بیشتری داشته باشد.

۴- به تناسب ماهیت اهداف و سایر عناصر برنامه از شیوه‌های متعدد استفاده شود.

برای ارزشیابی از میزان تحقق اهداف برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی دوره متوسطه یک جهت‌گیری‌ها و رویکردهای زیادی قابل طرح است. در این برنامه با توجه به اصول و مبانی آموزش زبان و ادبیات فارسی و نیز اهمیت برخی روش‌های ارزشیابی در این درس به اصول زیر تکیه و تأکید می‌شود:

۱- اصل ارزشیابی از مهارت‌های شفاهی زبان

۲- اصل ارزشیابی تلفیقی از مهارت‌های کتبی زبان

۳- اصل ارزشیابی از فرایند آموزش و فعالیت‌های دانش‌آموزان

۴- اصل ارزشیابی مستمر (تکوینی) و توصیفی در کنار ارزشیابی پایانی

با توجه به ماهیت برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی و نیز نوع ارزشیابی حاکم بر آموزش، برای

ارزشیابی این درس روش‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- روش کتبی

۲- روش شفاهی

۳- روش مشاهده رفتار

برای استفاده درست از روش‌های فوق و رعایت رویکردهای ارزشیابی در این برنامه، از ابزارهای زیر می‌توان بهره گرفت:

۱- آزمون کتبی شامل سؤالات تکمیل کردنی، کوتاه پاسخ، انشایی و ... از ریز مهارت‌های نوشتاری.

۲- آزمون شفاهی شامل پرسش‌های شفاهی از مهارت‌های گوش دادن، گفتن و خواندن و ریزمهارت‌های خوانداری.

۳- چک لیست، ابزار اندازه‌گیری عملکرد دانش‌آموز در مهارت‌های ارتباطی، توانایی‌های ذهنی، شرکت در فعالیت‌های گروهی و مهارت‌های شفاهی زبان

شیوه نامه پیشنهادی ارزشیابی فارسی

ارزشیابی آزمون‌های مستمر و پایانی درس‌های فارسی (مهارت خواندن و کار بست ریزمهارت‌های خوانداری)، انشا (مهارت نگارش و خلاقیت‌های نوشتاری) و املا (مهارت درست نویسی و توانایی تشخیص شکل‌های نوشتاری)، منطبق با مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش و آیین نامه ارزشیابی دوره متوسطه یک به شرح زیر است:

۱- خواندن فارسی: شفاهی - عملی (۲۰ نمره)

ارزشیابی تکوینی؛ ۲۰ نمره: آزمون تکوینی (مستمر) می‌تواند شامل موارد زیر باشد: روخوانی متن با رعایت آهنگ و لحن مناسب آن، درک مطلب، خود ارزیابی، دانش‌های زبانی و ادبی، کارگروهی، حفظ شعر، مطالعه و کتاب خوانی و پژوهش، توانایی در سخنوری و فن بیان، پاسخ به فعالیت‌ها و تمرین‌ها، شعر خوانی و روان خوانی.

یادآوری: نمره هر یک از ریز مواد بالا به تشخیص معلم و متناسب با شرایط کلاس و درس تعیین می‌شود.

ارزشیابی پایانی؛ ۲۰ نمره

خواندن: ۱۰ نمره (روخوانی ۵+ درک مطلب ۵)

شناخت و اثرگان در جمله: ۳ نمره (مترادف، مخالف، شبکه معنایی)

دانش‌های زبانی و ادبی: ۵ نمره (دانش زبانی ۲ نمره+ دانش ادبی ۲ نمره+ تاریخ ادبیات ۱ نمره)

حفظ شعر: ۲ نمره

نمره نهایی: میانگین ارزشیابی تکوینی و پایانی (۲۰=۲۰: ۲۰+۲۰=۴۰)

یادآوری: در هر نوبت به دلخواه دانش‌آموز، فقط یک شعر حفظی خواسته شود.

۲- املاي فارسي: کتبي (۲۰ نمره)

ارزشیابی تکوینی؛ ۲۰ نمره: ۲۰ نمره املاي تقریری تقسیم بر دو + ۱۰ نمره فعالیت‌های
املاي بخش نوشتن و پرسش‌های معلم ساخته

ارزشیابی پایانی؛ ۲۰ نمره: ۲۰ نمره املاي تقریری تقسیم بر دو + ۱۰ نمره فعالیت‌های املاي
بخش نوشتن و پرسش‌های معلم ساخته

نمره نهایی: میانگین ارزشیابی تکوینی و پایانی (۲۰=۲۰ : ۲=۲۰ : ۲۰+۲۰=۴۰)

یادآوری: املاي تکوینی همیشه از درس خوانده شده، نیست. می‌توان از درس‌های پیشین و
حتی دیگر کتاب‌های درسی همان پایه نیز به دانش‌آموزان املا گفت.

۳- انشای فارسي (۲۰ نمره)

ارزشیابی تکوینی؛ ۲۰ نمره: ۱۰ نمره انشا + ۱۰ نمره فعالیت‌های نگارشی بخش نوشتن و
پرسش‌های معلم ساخته

ارزشیابی پایانی؛ ۲۰ نمره: ۱۰ نمره انشا + ۱۰ نمره فعالیت‌های نگارشی بخش نوشتن و
پرسش‌های معلم ساخته

* نمره نهایی: میانگین ارزشیابی تکوینی و پایانی (۲۰=۲۰ : ۲=۲۰ : ۲۰+۲۰=۴۰)

در ارزشیابی انشا به موارد زیر توجه شود:

- ۱- رعایت نظم منطقی و پرورش موضوع
- ۲- به کارگیری درست نکته‌های نگارشی، دستوری و املاي
- ۳- تأکید و توجه به استفاده از جمله‌های نو و خلاقانه در انشا
- ۴- بهره‌گیری از تخیل
- ۵- توانایی بهره‌گیری از عنصر توصیف
- ۶- به کارگیری واژگان مناسب و تعبیرها و ترکیب‌های خوش ساخت
- ۷- استفاده از آیات و روایات متناسب با موضوع
- ۸- به کارگیری امثال و حکم و اشعار مناسب
- ۹- بهره‌گیری از آرایه‌ها و عناصر زیبایی سخن
- ۱۰- پیراسته، ویراسته و پاکیزه نویسی و ...

در صورت برخورداری نوشته از فضای خلاقانه و نگاه نو، می‌توان از برخی کاستی‌های ظاهری و کم‌اهمیت مانند نشانه گذاری‌ها و خط خوردگی‌ها چشم‌پوشی کرد.

جدول ساعات و مواد درسی زبان و ادبیات فارسی دوره متوسطه یک

نوع آزمون و ارزشیابی	مواد درسی	ساعات
شفاهی - عملی	فارسی (مطالعه و کتاب خوانی)	۴ ساعت
کتبی	املا فارسی	
کتبی	انشای فارسی	

نمونه پرسش‌های املایی و شناخت واژگان

الف) متن املایی تقریری: (۱۰ نمره)

توجه: حدود ۱۵ تا ۱۷ واژه که ارزش املایی دارد، در متن وجود داشته باشد.
 متن می‌تواند از ۴ یا ۵ بند در ۱۰ تا ۱۵ سطر سامان یابد.
 بهتر است بندهای املایی از ساده به دشوار چیده شود.
 در حد امکان، انسجام بندها حفظ شود.

در صورت به کارگیری متن خودساخته، به سلامت زبان و پیوستگی معنایی توجه شود.
 در خواندن متن املا، از گونه گفتاری تلفظ واژگان پرهیز شود؛ مگر به ضرورت متن.

ب) پرسش‌ها: (۱۰ نمره)

- ۱- شکل درست املای واژه را با توجه به معنای جمله برای جای خالی انتخاب کنید. مثال:
 الف) این عمل شما بسیار و دارد. (سواب/اجر)، (صواب/عجر)، (ثواب/اجر)
 ب) همه دانش‌آموزان سرگرم بازی در مدرسه بودند. (حیاط/حیات/هیات)
- ۲- در متن زیر واژه‌های نادرست املایی را پیدا کنید و شکل صحیح آنها را بنویسید.
- ۳- معنی کدام گزینه «پافشاری کردن» است؟

الف) اصرار ب) اسرار پ) اثرار

۴- املای همه گزینه‌ها جز گزینه با توجه به معنی درست است:

الف) آیین: رسم ب) عالم: دانشمند

پ) مطیع: فرمان‌بر ت) عرج: ارزش

- ۵- املاى صحيح واژه‌هاى مشخص شده را بنويسيد.
- راجبه رفتن شما روزها و ماهها مطالعه كردم.
- قليان‌ها شكسته شد. تباكو تحريم شد. شاه به تنگنا درافتاد و توطئه اينگيليس شكست خرد.
- ۶- دو كلمه بنويسيد كه با حرف «ص» پايان مى‌يابد.
- ۷- دو واژه بنويسيد كه با حرف «ظ» آغاز شود.
- ۸- غلط‌هاى املايى را در متن زير پيدا كنيد و شكل صحيح آنها را بنويسيد.
- ۹- نام اشيا و تصاوير زير را به املاى درست بنويسيد. - تصوير - تصوير
- ۱۰- صدائى «ز» چند شكل دارد. براى هر يك، كلمه‌اى بنويسيد.
- ۱۱- با هريك از حروف زير، يك واژه از كتاب درسى بنويسيد. الف) ص :

ب) ت :

نمونه پرسش‌هاى نگارش و انشا

الف) موضوع‌هاى نگارشى : (۱۰ نمره)

- ۱- يكى از شخصيت‌هاى برجسته تمدن اسلامى را معرفى كنيد.
 - ۲- يكى از مكان‌هاى فرهنگى يا تاريخى را توصيف كنيد.
- ب) پرسش‌ها : (۱۰ نمره)
- ۱- با هريك از واژه‌هاى زير جمله ادبى بنويسيد. الف) سرزمين : ب) جوان :
 - ۲- واژه‌هاى (دل انگيز، نوجوان، غنچه و اخلاق) را در يك بند (حدود سه سطر) به كار بپريد.
 - ۳- عبارت ناتمام زير را تا دو سطر ادامه دهيد؛ مثال :
- اگر فرمان كارها به نوجوانان.....
 - ۴- جمله ادبى زير را به صورت ساده زباني بنويسيد.
- گل‌ها به احترام خورشيد برپا ايستادند.
 - ۵- با بهره‌گيرى از عنصر تشخيص، يك بند درباره «؟» بنويسيد. (سه سطر)
 - ۶- درباره يكى از مراسم مذهبى يا ملي مدرسه خود گزارشى کوتاه بنويسيد.
 - ۷- تصوير زير را به كمك عنصر تشبيه در دو سطر، وصف كنيد. (تصوير)
 - ۸- عنوان مناسبى براى نوشته پرسش شماره ۷ انتخاب كنيد.

۹- بیت زیر را به نثر ساده، بازنویسی کنید؛ نمونه :

سخن را سر است ای خداوند و بن میاور سخن در میان سخن

۱۰- احساس خود را دربارهٔ بهترین یا بدترین درس کتاب فارسی در یک بند (چهارسطر) بنویسید.

۱۱- نوع جمله‌های زیر را (ادبی/زبانی) معین کنید :

(الف) خورشید هر بامداد همچون زیبارویی آتشین چهر، در افق لاجوردین پرده از رخسار برمی دارد. (ب) هر روز صبح با طلوع خورشید، به سوی مدرسه روانه می‌شویم و نکته‌ها می‌آموزیم.

۱۲- برای هر یک از واژه‌های زیر، مراعات نظیر بسازید. (الف) غنچه (ب) آفرینش

۱۳- بند زیر را ویرایش کنید. (یک بند انتخابی)

روش‌های اشاعه و تثبیت برنامه

هر مادهٔ آموزشی حتی اگر به بهترین شکل ممکن طراحی، سازمان‌دهی و تولید شود، چنانچه مجریان آن از کم و کیف اجرای آن مطلع نباشند، قادر به اجرای مطلوب نخواهند بود. در نتیجه برنامه‌ریز درسی و مؤلف از بازخورد واقعی آن آگاه نمی‌شوند. به همین سبب، لازم است برنامهٔ درسی برای دستیابی به نتایج مطلوب، در میان دست‌اندرکاران و مجریان اشاعه گردد. برنامهٔ درسی زبان و ادبیات فارسی از دو طریق رسمی و غیر رسمی اشاعه و ترویج داده خواهد شد.

(الف) آموزش رسمی

از آنجا که معلمان، مجریان واقعی برنامهٔ درسی‌اند، جهت آگاهی و تسلط آنها اجرای دوره‌های آموزشی ضمن خدمت ضروری است. از سوی دیگر برای جلوگیری از اتلاف نیروی انسانی و مالی، لازم است قبل از اجرای همگانی، کتاب‌های فارسی در گروهی نمونه از دانش‌آموزان به طور آزمایشی اجرا شود.

اهداف آموزش معلمان

- ۱- آشنایی با مؤلفه‌های برنامهٔ درسی زبان و ادبیات فارسی
- ۲- کسب اطلاعات پایه در زمینهٔ مهارت‌های زبانی و ادبی
- ۳- آشنایی با روش‌های متناسب تدریس در آموزش زبان و ادبیات فارسی
- ۴- توانایی در به کارگیری روش‌های تدریس متنوع و فعال
- ۵- آگاهی از نحوهٔ پرورش تفکر خلاق در درس زبان و ادبیات فارسی
- ۶- آشنایی با نحوهٔ تهیهٔ فعالیت‌های تکمیلی با توجه به شرایط آموزشی، فرهنگی و منطقه‌ای

۷- افزایش کارآیی و اثربخشی فعالیت‌ها و عملکرد معلمان زبان و ادبیات فارسی
۸- روزآمد کردن دانش‌ها و مهارت‌ها و نگرش‌های معلمان، متناسب با نیازهای برنامه جدید
۹- ایجاد توانایی بیشتر جهت تدریس زبان و ادبیات فارسی در مناطق دو زبانه
صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان زبان و ادبیات فارسی؛ انتظارات برنامه درسی از معلمان در
موارد زیر تبیین شده است:

- ۱- دبیران متخصص با کارشناسی، زبان و ادبیات فارسی کتاب را تدریس کنند.
- ۲- یک معلم، کلیه دروس مربوط به زبان و ادبیات فارسی را تدریس کند و از تفکیک ساعات و تقسیم یاددهی - یادگیری و مسائل تعلیم و تربیت آن، میان دبیران غیرمتخصص جداً پرهیز شود.
- ۳- معلم با روش‌های نوین آشنایی داشته باشد.
- ۴- دوره‌های آموزش ضمن خدمت را بگذراند.
- ۵- برای تدریس از دانش و مهارت کافی معلمی برخوردار باشد.
- ۶- با برنامه جدید زبان آموزی فارسی ابتدایی آشنایی داشته باشد.
- ۷- ابعاد برنامه جدید فارسی متوسطه یک را به خوبی بشناسد.

شیوه‌های اجرا

۱- با توجه به تعداد زیاد فراگیران، آموزش معلمان به شیوه خوشه‌ای اجرا می‌شود. (کشوری، استانی، منطقه‌ای)

مرحله اول: تأمین مدرس برای اجرای دوره‌های آموزشی استان‌ها و مناطق

مرحله دوم: تربیت معلمان زبان و ادبیات فارسی در مناطق و شهرستان‌ها

۲- فیلم‌ها و نوارها و لوح‌های فشرده آموزشی و کمک آموزشی برای خانواده‌ها، معلمان و دانش‌آموزان طراحی و تهیه گردد.

ب) آموزش غیر رسمی

۳- اطلاع‌رسانی از طریق صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

۴- تشریح برنامه درسی با نوشتن مقالاتی در مجله رشد

۵- تبیین برنامه درسی از طریق نوشتن مقالاتی در روزنامه‌های کثیرالانتشار

۶- تهیه و تدوین فعالیت‌های تکمیلی برای دانش‌آموزان در مجله رشد نوجوان

۷- تهیه ویژه‌نامه‌های آموزشی زبان و ادبیات فارسی

۸- برقراری ارتباط با مدرسان و معلمان زبان و ادبیات فارسی دوره متوسطه اول از طریق تماس تلفنی، بخش نامه‌های آموزشی، پست الکترونیکی و پایگاه رایانه‌ای رشد

ج) مواد و امکانات آموزشی

۱- کتاب راهنمای معلم : این کتاب از سه بخش اساسی زیر تشکیل می‌شود و در دو قالب (کتاب، لوح فشرده) ارائه می‌گردد.

- کلیات شامل اهمیت آموزش زبان و ادبیات، عناصر راهنمای برنامه، شیوه‌های آموزش، اهداف و سرفصل‌ها، ارزشیابی و ...

- بررسی دروس، شامل توضیح اجمالی نکات مهم درس و ارائه راه کارهای عملی جهت اجرای بهتر مهارت‌ها در کلاس

- پیوست‌ها، شامل معرفی کامل منابع، مأخذ، اعلام، نمونه‌های کمکی و مشابه

۲- مجله : شامل مجله‌های رشد آموزش زبان و ادب فارسی و دیگر مجلاتی که بتواند مستقیم و غیرمستقیم در تأمین اهداف آموزش زبان و ادبیات فارسی مؤثر باشد.

۳- فناوری آموزشی

فیلم : فیلم داستانی جهت دانش آموز و فیلم‌های آموزشی برای معلم

نوار صوتی : نوارهای داستان، اشعار، سرود و .. که براساس محتوای کتاب‌ها تهیه و در اختیار عموم قرار می‌گیرد.

لوح فشرده : این وسیله آموزشی برای آموزش زبان فارسی در منزل و مدارس مجهز به رایانه میسر است.

توجه : این کتاب شامل نمونه‌هایی از الگوهای تدریس، مباحث زبان آموزی و ادب آموزی، زبان‌شناسی، مبانی ادبیات فارسی، رویکردها و ... برای هر سه پایه خواهد بود.

بخش دوم



بررسی درس‌ها

فصل اول

زیبایی آفرینش

(درس اول ، درس دوم)

حکایت، شعرخوانی، روان خوانی



ستایش

عنوان: یاد تو

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی بیشتر با ستایش (تحمیدیه)
- ۲- توانایی برقراری ارتباط صمیمانه با پروردگار
- ۳- تقویت علاقه و باور نسبت به حمد و ستایش الهی

روش‌های پیشنهادی تدریس

این درس را به روش کارایی گروه می‌توان تدریس کرد. مراحل کار مبتنی بر این روش عبارت‌اند از:

- ۱- گروه بندی کلاس (هر سه یا چهار نفر در یک گروه)
- ۲- از اعضای هر گروه می‌خواهیم که درس را در زمان تعیین شده به صورت فردی صامت خوانی کنند.

۳- با طرح پرسش‌هایی دانش‌آموزان را به بررسی دقیق تر درس دعوت می‌کنیم. هر دانش‌آموز به صورت انفرادی پاسخ خود را به کلاس عرضه می‌کند.

۴- پرسش‌ها مجدداً مطرح می‌شود و دانش‌آموزان در گروه درباره آنها، بحث، بررسی و مشورت می‌کنند.

۵- پس از خواندن دقیق معلم یا استفاده از نوار کاست (ضبط شعر همراه با موسیقی) چند نفر از دانش‌آموزان شعر را می‌خوانند.

۶- مطالب درس با بهره‌گیری از نظرگاه‌های دانش‌آموزان و معلم جمع‌بندی می‌شود.

نکات مهم درس

۱- در سنت ادبی و فرهنگی ما معمولاً هر کتابی با تحمیدیه و ستایش پروردگار آغاز می‌شود. این گونه ستایش‌ها با طرح صفات الهی، عجز انسانی و نیاز انسان به پروردگار همراه است. در این سروده زیبا نظامی، با استعانت از پروردگار بزرگ به توانایی‌ها و قدرت خداوند اشاره کرده است و خواستار عنایت خداوند و نزدیکی هرچه بیشتر به اوست.

۲- نظامی: حکیم نظامی گنجوی، از بزرگان شعر زبان فارسی در قرن ششم است. از مادری کردنژاد زاده شد و همه عمر خود را در گنجه به زهد و عزلت سپری کرد. درباره این شاعر گرانقدر گفته شده است: نظامی از شاعرانی است که بی شک او را می‌باید در شمار ارکان شعر فارسی و از استادان مسلم این زبان دانست، وی از سخن‌گویانی است که مانند فردوسی و سعدی توانست با ایجاد یا تکمیل سبک خاصی توفیق یابد. تنها شاعری که توانست شعر تمثیلی را در زبان فارسی به حد اعلا‌ی تکامل برساند، نظامی است.

آثار وی عبارت‌اند از: دیوان قصاید، غزل‌ها و قصاید، مثنوی معزن الاسرار، مثنوی خسرو و شیرین، مثنوی لیلی و مجنون، مثنوی هفت پیکر و مثنوی اسکندرنامه.

تاریخ وفات این شاعر بزرگ را سال ۶۱۴ ه.ق، ذکر کرده‌اند و مدفن وی در شهر گنجه است.

۳- خواجه عبدالله انصاری: خواجه عبدالله بن محمد انصاری هروی در سال ۳۹۶ ه.ق به دنیا آمد. وی از محدثان بزرگ و از عرفای نامی ایران زمین است. او به شیخ ابوالحسن خرقانی که از مشایخ صوفیه است ارادت می‌ورزید و سپس جانشین وی شد. از آثار او به زبان عربی می‌توان «ذم الکلام» و «منازل السائرین» را نام برد. رساله فارسی ایشان عبارت‌اند از: زادالعارفین، رساله دل و جان، کنزالسالکین، ارادت نامه، قلندرنامه، الهی نامه و... که مشهورترین آنها مناجات نامه است. وی طبقات الصوفیه عبدالرحمن سلمی را در مجالس و عظم با اضافاتی به زبان هروی قدیم املا کرد و یکی از مریدان آن را جمع کرد و در قرن نهم عبدالرحمن جامی آن را به فارسی برگرداند و نام آن را نفحات الانس گذاشت. خواجه عبدالله در سال ۴۸۱ ه.ق درگذشت.

فصل اول

زیبایی آفرینش

(درس اول)

عنوان: زنگ آفرینش

محتوا (متن و تصویر): اهمیت زیبایی‌های آفرینش – بیان آرزوها – بهار – زنگ انشا – معلم – طبیعت						
فعالیت نوشتاری				فعالیت خوانداری		
انشا	نگارش	املا	نکات زبانی	کارگروهی	نکته	خودارزیابی
نوشتن متنی با استفاده از ضرب المثل	بند نویسی با توجه به آرایه جان بخشی	استفاده از کلمات هم‌آوا و آژه سازی	کامل کردن جمله با استفاده از آرایه جان بخشی	الف) تأکید بر انجام کارگروهی در کلاس ب) تأکید بر تعمیق و تثبیت آموخته‌ها پ) ایجاد فرصت‌های بیشتر برای تقویت مهارت‌های زبانی ت) تقویت و درونی سازی روحیه پژوهش و مطالعه ث) ایجاد فرصت برای تقویت مهارت ذهنی نقد و تحلیل (تفکر انتقادی)	الف) جمله ب) تشخیص یا جان بخشی	الف) سؤال تفکر برانگیز در سه سطح همگرایی تا واگرایی به تناسب متن درس ب) برجسته کردن پیام‌های درس جهت جلب توجه دانش‌آموزان پ) تأکید بر عناصر زبانی و ادبی موجود در متن

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی بیشتر با زیبایی‌ها و پدیده‌های جهان آفرینش
- ۲- پرورش حس تعالی جویی
- ۳- عشق ورزی نسبت به پدیده‌های جهان آفرینش به عنوان آیات الهی
- ۴- آشنایی بیشتر با قیصر امین پور و نمونه‌ای از سروده‌های وی
- ۵- آشنایی با آرایه «تشخیص» یا «شخصیت بخشی» Personification
- ۶- آشنایی بیشتر با جمله در زبان فارسی
- ۷- تقویت نگرش مثبت نسبت به جهان آفرینش و پدیده‌های الهی

روش‌های پیشنهادی تدریس

- این درس را می‌توان با روش «نمایشی» در کلاس اجرا کرد. پیشنهاد می‌شود:
- ۱- به تعداد شخصیت‌های شعر، از میان دانش‌آموزان، افرادی مشخص شوند تا به ایفای نقش پردازند.
 - ۲- می‌توان با بهره‌گیری از امکاناتی ساده، شخصیت‌ها را حسی تر و ملموس تر ساخت؛ مثلاً با استفاده از صورتک‌ها، عکس‌ها و ... این کار، امکان پذیر است.
- مناسب است هر یک از شخصیت‌ها بخشی از شعر را که متناسب با شخصیت آنهاست، حفظ کند تا نمایش طبیعی تر انجام شود.
- با روش «روشن سازی طرز تلقی» نیز می‌توان درس را اجرا کرد.
- خواندن کامل شعر ضروری است.

نکات مهم درس (کالبد شکافی شعر)

در این چارپاره، جز انتخاب مناسب شخصیت‌ها و گفت‌وگو از زبان آنها، آرزوها و آرمان‌ها نیز مطرح می‌شود. آنچه شعر را زیباتر می‌کند، زبان روایی و داستانی و پیوستگی اجزای شعر است. نوعی تکریم از معلم و نشان دادن آرزوی معلم که کامیابی دانش‌آموزان است، به شعر ارزش و اعتبار ویژه بخشیده است.

شعر «زنگ آفرینش» توصیف فضای کلاسی بسیار گرم و تپنده و سرزنده و صمیمی است؛ یعنی معلم نقابی به چهره ندارد. به دانش‌آموزان نزدیک است و آنها نیز خود را با معلم یکی می‌دانند و معلم

را با خود همراه، همدم و همدل می‌بینند.

موضوع گپ و گفت، موضوع انشاست و آن هم موضوع تازه‌ای به نام «آرزوهای شما در آینده». در اینجا گرانگه معنایی و هسته بنیادین شعر بر واژه «انشا» نهاده شده است. از این رو در حقیقت، کلاس انشا، سراسر رویش و شکفتگی و به طور کلی جریان حاکم بر شعر، حرکت به سمت و سوی بالندگی و «شدن و فراتر رفتن» است.

فرایند داستانی این شعر در فضایی رو به تعالی پیش می‌رود. آنچه سبب شده است حرارت و شوق زیبا زیستن و رستن، پرفروغ تر گردد، همانا امید به آینده و داشتن آرزوهای رنگین و افکار شیرین دانش‌آموزان نسبت به فرداهاست. همان سخنی که در باورهای مردمی هم مشهور است: «انسان با آرزوها و امید به آینده زنده است».

این سروده همچنان که یادآور شدیم، بافتاری داستانی - روایی دارد و شخصیت‌های زیر در جریان داستان نمایان می‌شوند:

۱- معلم

۲- دانش‌آموزان (بچه‌ها) که شش نفر هستند و هر کدام به ترتیب زیر می‌آیند و موضوع انشا و آرزوهای خود را بیان می‌کنند:

الف) شبنم: آرزوهایش این است که آفتاب شود و ذره ذره به آسمان برود و ابر باشد و دوباره آب شود.

ب) دانه: آرزو می‌کند باغی بزرگ شود و جاودانه سبز بماند.

پ) غنچه: آرزو دارد مثل لبخند شکوفا شود و جاودانه باطراوت باشد.

ت) جوجه گنجشک: آرزو می‌کند رها در دل آسمان و آسوده از سنگ بچه‌ها باشد.

ث) جوجه پرستو: می‌خواهد رهسپار با باد تا افق‌های دور کوچ کند و بیغمبر بهار شود.

ج) جوجه کبوترها: می‌گویند ای کاش روز و شب کنار هم توی گلدسته‌های یک گنبد زائر

حرم باشیم.

۳- زنجره

بنابراین، در مجموع هشت شخصیت در ساختار داستانی شعر وجود دارند (البته اگر جوجه‌های کبوتران را یک شخصیت به حساب آوریم). اگر به چند و چون کارکرد هر یک از اشخاص بنگریم، می‌بینیم که کم‌اثرترین و کم‌رنگ‌ترین چهره، زنجره است که تنها در یک مصراع از بند دهم شعر، حاضر شده و زنگ تفریح را به صدا درآورده است.

بچه‌ها هم که در این شعر از آنها به شبنم، دانه، غنچه، جوجه و ... یاد شده با ذکر آرزوهایشان در حقیقت روزنه‌ها و دریچه‌هایی هستند که از رهگذر آن می‌توان تکامل و حرکت کمال جو را مشاهده کرد. بن مایه مشترک آرزوها، همان جهت‌گیری به سمت آسمان معرفت و خورشید حقیقت و گسترش شخصیت درون افراد است.

زیبایی‌های هنری : نخست اینکه فضای عمومی شعر، سرشار از احساس لطیف و عاطفه عمیق است که به خوبی خود را در ژرفای ذهن و زبان مخاطب، جایگیر می‌سازد. دیگر اینکه زبان و تصویرهای خیالی به کار گرفته در این سروده، کاملاً با جهان ذهن و زبان نوجوان هماهنگ است. همچنین توجه به کاربرد و تکرار واژه «باز» در ابتدای پنج مصراع که امتداد بار معنایی و آوایی ویژه‌ای همچون زنگی در ذهن و کلام به صدا درمی‌آورد، جالب است. گویی با این توجه و تلنگر می‌خواهد بگوید در گذشته هم بارها چنین وضعی تجربه شده است و این حکایت مکرر تاریخ است. حتی می‌بینیم جوجه کوچک پرستو هم آرزو می‌کند «کاش باز پیغمبر بهار شود». گویا پیش از این همچنین رسالتی داشته است. یکی دیگر از کاربردهای بسیار سنجیده، به جا و زیبای این سروده کلمه زنجره است. در مصراع «زنگ تفریح را که زنجره زد». با تأمل در این مصراع می‌بینیم که واژه «زنجره» چقدر دقیق و آگاهانه برای نواختن زنگ انتخاب شده است. افزون بر این، تکرار واج «ز» و ایجاد موسیقی و هم آوایی گوش نواز، خود یادآور صدای ویژه زنجره یا همان سیرسیرک است.

آموزه‌های تربیتی – اخلاقی شعر زنگ آفرینش : با درنگ در تار و بود این سروده به چند آموزه تربیتی – اخلاقی برمی‌خوریم. ابتدا معلم را می‌بینیم که چهره‌ای شاداب و خندان دارد. سرزندگی و خلاقیت ذهنی بچه‌ها در کلاس جنگل سبز به همین گشاده‌رویی معلم برمی‌گردد. تأثیر روان‌شناختی – تربیتی این نحوه برخورد نیز بر کسی پوشیده نیست. بنابراین معلم شاداب با رفتار و کلام طرب‌انگیز خود به دانش‌آموزان کلاس خویش، انرژی مثبتی می‌بخشد و حرکت، جست‌وجو و چالاک‌ی را به آنها هدیه می‌کند و این اثرگذاری هم سخن و مصاحبت با بزرگان صافی درون را مولانا در مثنوی به زیبایی، بیان کرده است :

نار خندان، باغ را خندان کند صحبت مردانت از مردان کند

(مثنوی دفتر اول، ب ۷۲۱)

از این روست که شادی و شکفتگی در بهنای سبز کلاس موج می‌زند. همین روحیه معلم باعث شده است که بچه‌ها بی‌برده و صمیمی او را در ردیف خود ببینند و آرزوهای خویش را برایش روایت کنند. در واقع معلم دوست بچه‌هاست و تا هنگامی که در کلاس و جمع دانش‌آموزان با همدلان و

همسفران است، پر از نشاط و طراوت است و همین که زنگ تفریح را زنجره می‌زند، شاعر می‌گوید: «و معلم دوباره تنها شد». مسئله دیگری که آموزنده و شایسته توجه است، نگاه کمال جویی، تعالی طلب و امیدوار به آینده‌ای روشن با چشم اندازی سبز و جاودانه در فضایی آزاد و سرشار از محبت و دوستی هاست.

سخن آخر اینکه بند پایانی شعر با نهایت لطف و لطافت بیان شده است و نشان دهنده فرود بسیار زیبای پرواز خیال انگیز ذهن و زبان شاعر است. در اینجا معلم را می‌بینیم که با وجود غرق بودن در تنهایی خود، از حضور گرم و چشم نواز و تنوع آرزوهای دانش‌آموزان سخن می‌گوید و هنوز به آنان که نیمه وجودی روح و روانش را تشکیل می‌دهند، فکر می‌کند و در دل برایشان آرزوی کامیابی و آینده‌ای روشن و آفتابی دارد. اینجاست که باز هم صفای باطن و سرشار از عشق و محبت معلم برجسته تر می‌شود؛ زیرا او حتی در تنهایی خویش نیز به دانش‌آموزان و نیک بختی و نیک فرجامی آنان می‌اندیشد و تنها آرزوی خود را کامروایی بچه‌ها می‌داند و با این پیام در حقیقت معلم همچون دیگر بچه‌ها تکلیف خود را به شایستگی انجام داد و انشای زندگی خویش را قرائت کرد.

این سروده زیبارا می‌توان با بهره‌گیری از نوار صوتی، لوح فشرده و منابع رایانه‌ای، بهتر و تأثیرگذار عرضه کرد. در این درس با شیوه‌های گوناگون رایج چون ارزشیابی شفاهی، کتبی و چک‌لیست می‌توان میزان دریافت و فعالیت دانش‌آموزان را سنجش کرد.

نوشتن

یادآوری: در این بخش، هدف مؤلفان پاسخگویی مستقیم به پرسش‌های بخش نوشتن نیست؛ بلکه نگارندگان کتاب برآن‌اند که به اهداف آموزشی هر یک از تمرین‌هایی که نیاز به توضیح دارند، بپردازند؛ زیرا تبیین اهداف آموزش، جهت آموزش و ارزشیابی را نیز سامان می‌دهد. بنابراین هر تمرین، ممکن است چندین هدف آموزشی را به طور همزمان دنبال کند.

تمرین ۱- در تبدیل نظم به نثر رعایت نکات زیر ضروری است:

الف) حفظ پیام اصلی و مضمون

ب) رعایت ساختار جمله براساس دستور معیار نوشتاری

پ) انتخاب برابره‌های واژگانی مناسب

اهداف این تمرین

۱- درک مطلب و توانایی تبدیل یک یا چند بیت به نثر ساده و امروزی است.

۲- تقویت مهارت نوشتن

۳- توانایی به کارگیری آموخته‌های دستوری هنگام بازگردانی شعر به نثر.

تمرین ۵- تداعی معانی یکی از راه‌های پرورش ذهن و غنی سازی گنجینه واژگانی است. در این پرسش به کمک تصویر، واژه‌های بسیاری به ذهن تداعی می‌شود. از این طریق خوشه‌های واژگانی ذهن دانش‌آموز، گسترش می‌یابد و دامنه‌های روابط معنایی را وسیع‌تر می‌نماید. دانش‌آموز با دیدن تصویر و با عمیق شدن در آن، پدیده‌ها را به یاد می‌آورد و نام آنها را می‌نویسد.

مثلاً با دیدن کوه در این تصویر واژه‌های زیر به ذهن می‌آید:

قله، دامنه، کوهپایه، کوه پیمایی، کوه نوردی، سرما، برف، عظمت و بزرگی، استواری و ...

منابع اطلاعاتی کمکی

۱- ویژه نامه مجله شعر درباره دکتر قیصر امین پور.

۲- ادبیات کودکان و نوجوانان، مؤلفان: اکبری، قاسم پور، یارویی، انتشارات آیندگان، چاپ

چهارم، ۱۳۸۶.

۳- روزنه، محمد کاظم کاظمی، انتشارات کانون شاعران خراسان، ۱۳۷۵.

حکایت اندرز پدر

سعدی در این حکایت به پرهیز از غیبت کردن سفارش می‌کند؛ همچون بیت زیر:

میان دو کس جنگ چون آتش است سخن چین بدبخت هیزم کش است

(درس دوم)

عنوان: چشمه معرفت

محتوا (متن و تصویر): روحیه معرفت جویی - نگاه کنجکاوانه - نوجوانی - نشاط - عاطفه و احساس - زیبایی خلقت - طبیعت						
فعالیت نوشتاری				فعالیت خوانداری		
انشا	نگارش	املا	نکات زبانی	کارگروهی	نکته	خودارزیابی
نوشتن متنی در دو سطر با استفاده از ضرب المثل - نوشتن زیبایی های آفرینش به نثر امروز	جمله سازی - ساخت ترکیب تشبیهی در جمله - تشخیص ویژگی مشترک کلمه در متن داده شده	نوشتن کلمه های مهم املایی متن درس و کلمه های هم خانواده - تشخیص کلمه های غلط در متن	استفاده از تشبیه در جمله و متن	الف) تأکید بر انجام کارگروهی در کلاس ب) تأکید بر تعمیق و تثبیت آموخته ها پ) ایجاد فرصت های بیشتر برای تقویت مهارت های زبانی ت) تقویت و درونی سازی روحیه پژوهش و مطالعه ث) ایجاد فرصت برای تقویت مهارت ذهنی نقد و تحلیل (تفکر انتقادی)	الف) انواع جمله ب) تشبیه	الف) سؤال تفکر برانگیز در سه سطح همگرایی تا واگرایی به تناسب متن درس ب) برجسته کردن پیام های درس جهت جلب توجه دانش آموزان پ) تأکید بر عناصر زبانی و ادبی موجود در متن

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با نمونه ای از ستایش
- ۲- آشنایی با نمونه ای از نثر ادبی معاصر
- ۳- تقویت توجه به آفرینش و زیبایی های طبیعت
- ۴- پرورش نگاه های کنجکاوانه و دقیق
- ۵- پرورش روحیه معرفت جویی و توجه به خالق زیبایی ها
- ۶- ایجاد انگیزه نسبت به درک و فهم زیبایی ها
- ۷- آشنایی با انواع جمله با توجه به لحن و آهنگ آنها
- ۸- آشنایی با یکی از عناصر ادبی «تشبیه»

روش‌های پیشنهادی تدریس

۱- الگوی تدریس پیش سازمان دهنده

۲- روش روشن سازی طرز تلقی

۳- کارآیی گروه

نکات مهم درس

دکتر علی شریعتی از آنجا که نویسنده‌ای دین باور است، بر آن است از راه تدبّر در مظاهر آفرینش الهی و پدیده‌های بیرونی، با زبانی پراحساس و عاطفی ما را به شناخت آفریدگار فرابخواند. از راه پدیده‌های دیداری و محسوس به جلوه‌های جمال معنوی برسد و با فراگرفتن، فهمیدن، کنجکاوانه و دیگرگونه دیدن به کشف نایل گردد.

در طبیعت به دیده‌ی اعجاز نگرستن و جمال و جلال و شکوه پروردگار را به چشم دل دیدن و دعوت به بازخوانی و مطالعه‌ی این درس بزرگ خلقت، پیام اصلی این متن است.

آنچه بر زیبایی اثر دکتر شریعتی افزوده است، بهره‌گیری از زبانی سرشار از احساس، عاطفه و تخیل است. نویسنده در این نوشته، ذوق و عاطفه و لطایف و ظرافت نگاه خویش را با بینش ژرف عرفانی درآمیخته است. از این رو باغ و صحرا و دشت را تماشاخانه و تفرجگاه پاک و معصوم و سرشار از صفا می‌داند که انسان را به خالق خویش پیوند می‌دهد. بنابراین، مطالعه و کسب معرفت چنان چشمه‌ای گوارا و زلال است که طراوت و خنکای آن جان را شادابی و خرمی می‌بخشد.

دانش‌های زبانی و ادبی

به جمله‌های زیر توجه کنید :

– پروانه، از روی گیاهان پرید.

– پروانه، پره‌های ظریف و زیبایی دارد.

– پروانه، بر روی گل‌های گوناگون می‌نشیند.

همانطور که می‌بینیم هر جمله، یک فعل دارد : «پرید، دارد، می‌نشیند». فعل‌ها، هسته و مرکز جمله به شمار می‌آیند؛ یعنی وزن محتوایی و گستره‌ی معنایی جمله به فعل وابسته است و بر پایه‌ی همین ویژگی فعل و نوع پیام، جمله به گونه‌هایی بخش می‌شود.

در این درس به انواع جمله از دید نوع خبر پرداخته شده است. جمله‌ها از این دیدگاه به چهار

دسته، تقسیم می‌شوند :

۱- خبری ۲- امری ۳- پرسشی ۴- عاطفی (تعجبی)

از میان این گونه‌ها به توضیح جمله‌های امری و عاطفی می‌پردازیم :
جمله امری جمله‌ای است که به انجام کاری فرمان می‌دهد و یا خواهشی را مطرح می‌سازد و اغلب در ساخت دوم شخص (مفرد، جمع) به کار می‌رود.

مثال: برو / بروید بخور/ بخورید

جمله عاطفی که برای بیان عاطفه، احساس، تعجب، شگفتی و ... به کار می‌رود، جمله تعجبی نیز نامیده شده است. مثال : چه هوای خوبی! عجب منظره‌ای!

تشبیه

مانند کردن چیزی به چیز دیگر را تشبیه گویند. در تشبیه معمولاً چهار پایه یا طرف حضور دارند.

مشبه : چیزی یا کسی که قصد مانند کردن آن را داریم.

مشبه‌به : چیزی یا کسی که مشبه به آن مانند می‌شود.

ادات تشبیه : واژه‌ای است که نشان دهنده پیوند شباهت است. این واژه می‌تواند حرف، فعل و ... باشد.

وجه شبه : ویژگی یا ویژگی‌های مشترک میان مشبه و مشبه‌به است. وجه شبه معمولاً باید در

مشبه‌به، بارز و آشکارتر باشد. به نمونه‌هایی از تشبیه در این درس توجه کنید :

— نسیم مانند مادری مهربان است : نسیم = مشبه، مادری مهربان = مشبه‌به، مانند = واژه یا

ادات تشبیه، و مهربانی و لطافت = وجه شبه است .

— چشمه معرفت، کلاس آفرینش و ...

شعرخوانی

شعرخوانی فرصتی است برای تقویت ذوق و تخیل و التذاذ از شعر برای جذب مفاهیم و معانی درون آن.

در شعرخوانی، خواندن دسته جمعی توصیه می‌شود؛ از توضیح اجزای شعر می‌پرهیزیم و کوشش می‌کنیم در خوانش کلی شعر، مفاهیم و درون مایه شعر جذب ذهن و روان دانش‌آموزان شود.

شعر جلوه روی خدا، شعری در قالب نیمایی است که در ضمن آن شاعر بیت :

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دفتری است معرفت روزگار

از سعدی را نیز تضمین کرده است.

شرح حال مختصری از «محمود کیانوش»

بنیانگذار شعر کودک در ایران، در سال ۱۳۱۳ در شهر مشهد مقدس به دنیا آمد. پدر و مادرش سواد نداشتند ولی هر دو به ویژه پدرش با فرهنگ و پرهیزگار بودند. او در مشهد به مدرسه رفت ولی در سن نوجوانی با خانواده به تهران مهاجرت کرد و در این شهر به تحصیل ادامه داد. پس از طی دوره اول دبیرستان (سال نهم) به دانشسرای مقدماتی رفت و معلم شد. او چند سال در روستای مراد آباد در اطراف تهران به آموزگاری پرداخت، سپس وارد دانشگاه تهران شد و تحصیل خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی ادامه داد. کیانوش از همان سال‌های نوجوانی داستان می‌نوشت و شعر می‌گفت و مطالبی را از زبان‌های عربی و انگلیسی ترجمه می‌کرد اما از زمانی که او را برای همکاری در انتشار مجلات پیک دعوت کردند، به فعالیت خود در زمینه داستان، ترجمه، مقاله و شعر افزود و به سرودن شعر برای کودکان و نوجوانان توجه ویژه‌ای کرد. شعرهای او را در این دوره، نخستین و مهم‌ترین شعرها می‌دانند که برای کودکان و نوجوانان سروده است. محمود کیانوش بیش از ۷۰ سال کتاب برای کودکان و نوجوانان و بزرگسالان در موضوعات مختلف نوشته است.

برخی از این کتاب‌ها به سنین کودکان و نوجوانان اختصاص دارد، که عبارت‌اند از: زبان چیزها، طوطی سبز هندی، نوک طلایی، نقره‌بال، باغ ستاره‌ها، بچه‌های خیال، طاق هفت رنگ، آفتاب خانه ما، شعر به شعر، کتاب شعر به شعر و ترجمه شعرهای انگلیسی به نثر فارسی.

روان خوانی

برای اطلاع بیشتر درباره روان خوانی به بخش اول کتاب (کلیاتی مربوط به روان خوانی) مراجعه کنید.

سخن علی (ع) به کمیل بخشی از حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه، (ص ۳۸۷) ترجمه دکتر شهیدی است. قسمت پایانی خطاب به جابر بن عبدالله انصاری برگرفته از حکمت ۳۷۲، (ص ۴۲۷) ترجمه بالاست.

دانش‌اندوزی و ارج نهادن به دانش و دانشمندان از آموزه‌های مهم دین است که در کلام پیامبر (ص) و امامان (ع) و به طور روشن و بارز در قرآن مجید بارها مطرح شده است. طلب علم، فریضه و جست و جوی علم، هرچند در دورترین نقاط باشد، واجب است. علم

را حتی اگر در ژرفای اقیانوس‌ها یا اوج آسمان‌ها باشد، باید یافت؛ هرچند با رنج، درد و دشواری باشد. مرکب قلم دانشمندان از خون شهیدان برتر و قدم زدن در راه علم و نگاه به سیمای دانشمندان عبادت است.

کمیل یکی از یاران نزدیک و صمیمی امیرالمؤمنین علی (ع) است. کمیل بن زیاد نخعی، فردی دانش طلب، عابد و فداکار بود و در راه دفاع از باورهای دینی به شهادت رسید. مزار او در کوفه است و دعای مشهور کمیل را امیرالمؤمنین علی (ع) به وی آموزش داد.

جابر بن عبدالله انصاری یکی از صحابه بزرگوار پیامبر و یار و یاور امیرالمؤمنین و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بوده است. او عمری طولانی داشت و امام محمد باقر (ع) را نیز درک کرد. آمدن وی به کربلا در روز اربعین مشهور است.

متن درس از آموزه‌های علی (ع) به کمیل است که تنها بخشی از آن، گزیده و در درس آمده است. این دل‌ها همچون ظرف‌هاست و ... : این نکته اشاره به حفظ و به خاطر سپردن علم دارد. دلی ارجمند و ستودنی است که دانش را به خوبی نگاه دارد و به کار بندد.

دانش فرمان‌گذار است و ... یعنی دانش حاکم است و هدایت می‌کند؛ اما مال محکوم و فرمان‌بر و مطیع است و «العلمُ حاکمٌ و المالُ محکومٌ علیه».

ای کمیل، گنج و ران مال، مُرده‌اند (ور پسوند دارندگی است): آنان که تنها نگاهبان و اندوخته مال و ثروت هستند، در حقیقت، مرده‌ای متحرک اند.

یکی از کارهای بدیع این استاد بزرگ، ترجمه مسجع نهج البلاغه است که متن درس از این ترجمه اخذ شده است.

نهج البلاغه مجموعه سخنان علی بن ابی طالب (ع) در سه حوزه نامه‌ها، سخنرانی‌ها (خطبه‌ها) و کلمات حکمت‌آمیز است که نخستین بار سید رضی در قرن چهارم آنها را جمع‌آوری کرد. این کتاب که آن را «أخ القرآن» (برادر قرآن) نامیده‌اند و سرشار درس‌ها، پیام‌ها و آموزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و تربیتی است.

نهج البلاغه بارها به فارسی و دیگر زبان‌ها ترجمه شده است که ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی نخستین ترجمه مسجع نهج البلاغه به فارسی محسوب می‌شود.

برای دست‌یابی بیشتر می‌توان به منابع زیر مراجعه کرد:

۱- جاذبه و دافعه علی (ع) و سیری در نهج البلاغه استاد شهید مرتضی مطهری

نکاتی درباره «درک و دریافت»

یکی از توانایی‌های ذهن آدمی، تفکر و اندیشیدن است. فکر کردن به انسان کمک می‌کند تا ضمن پرداختن به مسائل و امور روزمره زندگی، از عهده حل مشکلات نیز برآید. یکی از وظایف مراکز آموزشی به ویژه مدارس و معلمان این است که توانایی فکر کردن را در دانش‌آموزان ایجاد و تقویت کنند. در زمینه آموزش تفکر حداقل دو مکتب فکری وجود دارد گروهی عقیده دارند تفکر فطری و ذاتی است و نیازی به اکتساب و آموختن ندارد و در مقابل عده‌ای بر این باورند که تفکر را می‌توان در تمام دوران زندگی به طرق مختلف آموزش داد. بر این اساس یکی از اهداف کتاب‌های فارسی به ویژه در بخش روان خوانی به دلیل هماهنگی بین ذهن و زبان تقویت توانایی تفکر از طریق مهارت خواندن و درک مطلب است. بنابراین دبیران محترم ادبیات لازم است به این نکته مهم توجه داشته باشند که به هنگام تدریس کتاب، در بخش روان خوانی هم به روخوانی و هم به درک مطلب اهمیت بدهند و درک مطلب تحقق نمی‌یابد مگر آنکه از شیوه‌های متنوع از جمله طرح سؤال، پاسخ به سؤال‌های واگرا، تحلیل متن و... استفاده شود.

همان‌طور که پیشتر گفته شد، یکی از مهارت‌های اصلی زبان که نیاز به آموزش مستقیم دارد و تأثیر آن در دیگر مهارت‌ها بسیار زیاد است، مهارت «خواندن» نامیده می‌شود. منظور از مهارت خواندن - برخلاف تصور برخی - روخوانی و بلندخوانی یک متن نیست؛ بلکه درک مطلب و دریافت مفهوم یک نوشته به شمار می‌آید. روان خوانی‌ها، یکی از بخش‌های موجود در کتاب‌های تازه تألیف فارسی دوره اول متوسطه است که تقویت این مهارت را دنبال می‌کند و بر آن است تا با ارائه متن‌های جذاب، دانش‌آموزان را به خواندن و درک مطلب وادارد و التذاذ را در آنها ایجاد کند. در پایان هر روان خوانی تعدادی سؤال دیده می‌شود که بیشتر واگرا هستند و دانش‌آموزان را به تأمل و تفکر عمیق تر وامی‌دارد و باز خورد داستان را طلب می‌کند. این پرسش‌ها با سطوح و عناوین مختلفی طراحی شده‌اند.

توجه به این نکته نیز مهم است که پرسش‌های «درک و دریافت» با رویکرد «واگرا» طرح شده‌اند و در حقیقت ابزاری هستند برای سنجش درک و دریافت محتوا. دبیران محترم می‌توانند با توجه به ویژگی‌های این گونه سؤالات، نمونه‌های دیگری ارائه دهند یا از خود دانش‌آموزان کمک بگیرند.

دیگر اینکه، در سازماندهی و طراحی این بخش در محور طولی برنامه درسی فارسی متوسطه تلاش کرده‌ایم حرکتی از سطح به ژرفا داشته باشیم.

یادآوری می‌کنیم که پاسخ به این پرسش‌ها به صورت گفت و گو و مشورت و همیاری دانش‌آموزان و شفاهی انجام می‌گیرد.

در آزمون پایانی، ارزشیابی از این بخش‌های کتاب بر پایه آزمون‌های مستمر و تکوینی به عنوان

فصل دوم

شگفتن

(درس سوم ، درس چهارم)

شعرخوانی ، روان خوانی

نمره فارسی خواندن (شفاهی) محاسبه خواهد شد.

درس سوم : نسل آینده‌ساز

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با رسالت و مسئولیت نسل نوجوان و جوان انقلاب
- ۲- آشنایی با رهنمودهای مقام معظم رهبری درباره نسل جوان
- ۳- آشنایی با نقش جوانان در گذشته، حال و آینده ایران
- ۴- آشنایی با ویژگی‌های دنیای نوجوانی
- ۵- نگرش مثبت نسبت به گذشته، حال و آینده ایران
- ۶- آشنایی بیشتر با فعل و اهمیت آن
- ۷- ایجاد نگرش مثبت نسبت به زبان و ادب فارسی و توانمندی‌های نوجوان

روش‌های پیشنهادی تدریس

درس را می‌توان به روش‌های پرسش و پاسخ، آزادخوانی و روش خطابی تدریس کرد.

نکات مهم درس

۱- جوان و نوجوان چشمه جوشان نیرو و استعداد است. این توانایی و استعداد از چند منظر قابل بررسی است :

الف) از منظر جسمانی نوجوانان و جوانان لبریز از توان اند و به همین دلیل جویای «خطر» و تلاش و تکاپو هستند. بهره‌گیری از این توانایی‌ها چه در رشد علمی و چه معنوی و در عرصه‌های ورزش و فعالیت‌های جمعی بایسته است.

نوجوان و جوان مظهر عاطفه جوشان و احساسات زلال و پاک هستند و به دلیل آنکه هنوز به فطرت و ملکوت نزدیک و پذیرای حقیقت‌اند. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «ان الله بعثنی بشیراً و نذیراً، خالفنی الشیوخ و خالفنی الشبان لانهم ارق افئده» خداوند مرا مژده دهنده و هشدار دهنده برانگیخت. پیران با من سر ناسازگاری گذاشتند و جوانان با من هم پیمان شدند، زیرا جوان‌ها دل‌های نرم و مهربان دارند.

بهره‌گیری پیامبر از دل‌های نرم و عاطفه سیال جوان یکی از رمز و رازهای موفقیت پیامبران است. نکته مهم دیگر تخیل بویا، ذهن نقاد و آرمان خواهی نوجوان و جوان است که همین ویژگی نیز تکیه‌گاه تکاپوها و پویه‌های مثبت می‌تواند باشد.

در سخنان مقام معظم رهبری یکی از انگاره‌ها و القاتات منفی، نفی شده است و آن انحراف نسل جوان است. نسل جوان امروز ایران سرشار شور و شعور است و خطا و اشتباه گاه‌گاه، محصول همان روح تنوع طلب، بلند پروازانه و ویژگی‌های دوره نوجوانی و جوانی است که با هدایت و ارشاد، شکیب و صمیمیت و انعطاف قابل حل و اغماض است.

جوانان امروز ایران در عرصه‌های گوناگون علمی افتخارات فراوان آفریده‌اند که موفقیت‌های آنان در المپیادهای علمی، پژوهش‌ها و نوآوری‌ها و جنبش نرم افزاری مشهود است. در عرصه جهاد نیز افتخارات امروز ما پس از دفاع مقدس و هشت سال ایثار و پاکبازی و ایستادگی، مدیون روح ایمان، سلحشوری و علاقه‌مندی به دین و سرزمین مقدس ایران است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی چند تذکر و هشدار در سخنان خویش فرموده‌اند :

- ۱- مراقب تلاش دشمنان در جلوگیری از پیشرفت تحصیلی خود باشید.
- ۲- درس خواندن، جهاد دانش‌آموزان در مقابل این توطئه‌هاست.
- ۳- پاکدامنی، پارسایی و حفظ ایمان و رستگاری در کنار درس خواندن لازم است.
- ۴- قدر جوانی و نیرو و نشاط این دوره را باید دانست.
- ۵- باید از فرصت خوب و ارزشمند و گرم نظام و انقلاب اسلامی حداکثر بهره را گرفت.

زبان و ادبیات

نکته دوم این درس، تفاوت زبان و ادبیات است، زبان وسیله تفهیم و تفاهم است. این پدیده، وسیله‌ای است تا مردم با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و نیازهای یکدیگر را رفع نمایند. زبان نقش‌های فرعی دیگری نیز دارد که از آنها می‌توان به حدیث نفس و تفکر اشاره کرد. ادبیات، شالوده‌ای زبانی دارد و به مثابه ساختمانی است که بنیان آن، زبان است. در عین حال ادبیات راز و رمز ماندگاری زبان است. اگر ادبیات یک زبان از بین برود، زبان نیز رو به زوال می‌نهد. اهل فن تفاوت‌های زیادی بین زبان و ادبیات قائل شده‌اند. هرچند مرز تازه‌ای نیز نمی‌توان برای این دو متصور شد. برای مطالعه بیشتر می‌توان به کتاب «زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته» تألیف دکتر علی محمد حق‌شناس مراجعه کرد.

همان‌گونه که نخستین کار در بررسی و مطالعه هر علمی، طبقه‌بندی آن است. در آموزش و تدریس که امروزه خود دانش ویژه به شمار می‌آید، بازشناسی درست پهنه‌های دانش مورد آموزش، امری سنجیده و در خور توجه است. به همین روی، گام نخست در آموزش ادبیات فارسی و زبان فارسی، شناخت به هنجار این دو پهنه و ایجاد ذهنیت درست نسبت به آن دوست.

به کار بستن ابزارهای بایسته هر قلمرو به فراخور آن و بهره‌گیری از برنامه‌ها و روش‌های شایسته برای رسیدن به هدف‌هایی که در گستره زبان و پهن دشت ادب در پیش رو است، از گام‌هایی است که هر آموزنده باید در تدریس از سر درنگ و اندیشه بدان بنگرد.

به دیگر سخن، شناسایی و ارزیابی هر پدیده‌ای در حقیقت چونان خشت نخستینی است که اگر بهنجار نهاده شود، تا پایان نظم و آرایش خواهد داشت و اگر جز این باشد، بر بنیادی لرزان، دیواری ناستوار سر بر خواهد آورد.

بازشناسی دو پدیده از یکدیگر: از آنجا که هر وادی برای خود ابزار، روش و هدف ویژه‌ای دارد، برای آنکه در کار آموزش دچار درآمیختگی این روش‌ها و اهداف نشویم، باید به جدایی و شناخت دقیق زمینه‌های مورد نظر بپردازیم. اکنون می‌کوشیم به شرح و باز نمود دو قلمرو ادبیات و زبان پرداخته، چگونگی جدایی و پیوند آن دو را فرا پیش نهیم.

زبان یک پدیده زنده و پویا و سامانمند اجتماعی است که انسان برای ایجاد پیوند و رساندن پیام

خود در جامعه بشری از آن بهره می‌گیرد؛ بنابراین باید به کارکرد جامعه‌شناسی زبان توجه کنیم. اینکه گفته شد، زبان پویا و زنده است به آن معناست که چونان هر موجود دیگر از بافت‌ها و اندام‌واره‌ای بهره‌مند است و در پویه خود هر بخش آن پیدایی و زایایی و بالندگی و سرانجام‌فرسایش و نابودی را در پی دارد. به بیانی دیگر، پیکره زبان و تک‌واژه‌های آن مانند هر پدیده طبیعی دیگر زندگی و مرگی دارند. این زندگی و فرسودگی هر زبان، به مرده‌ریگ فرهنگی و روح جمعی و تبار قومی‌گوشوران و جامعه‌زبانی آن وابسته است، زیرا «زبان هر قوم روح آنان و روح آنان زبانشان است».

همچنین گفتیم که زبان پدیده‌ای سامان‌مند است. این نظم و سامان را می‌توان در تمام بافت‌های زبان اندام‌وارگی آن نشان داد. به همین دلیل زبان پژوهان همواره از زبان به عنوان دستگاه و نظام یاد کرده‌اند و بر این باورند که در هر سه بافت اصلی زبان (آوایی، نحوی، معنایی) نظم وجود دارد که به یاری آن می‌توانیم به سادگی به توصیف آن پردازیم.

از ویژگی‌های دیگر زبان، «اجتماعی» بودن آن است؛ یعنی «نقش عمده زبان، ایجاد ارتباط و مراد اجتماعی است، بنابراین زبان به عنوان یک پدیده کاملاً اجتماعی کارکردی جامعه‌شناختی دارد و از این دیدگاه شناخت ذهن و فکر یک جامعه زبانی از راه زبان بسیار در خور ارزش است و حتی با بررسی زبان از طریق دو نمودگار اصلی آن (گفتار و نوشتار) می‌توان به کارکرد فرهنگی و تأثیر آن در حفظ هنجارهای ارزشی و اجتماعی و روحیه جمعی یک قوم، پی برد. ادبیات و زبان دو دنیای ویژه‌اند و بررسی و ارزیابی آنها نیز مستقل از یکدیگر است. هرچند ادبیات بدون زبان نمی‌تواند پدیدار شود، آنگاه که پدید آمد، چیزی فرازبان است و دست زبان به دامن آن نمی‌رسد.

هدف ادبیات و زبان: زبان ابزاری است برای انسان تا به کمک آن پیوندی با هم نوع خود برقرار نماید و خواست خود را بازگو کند و به مقصود خویش برسد. پس هدف از به کار بستن زبان، برقراری پیوند اجتماعی و پیام‌رسانی است. از این روی، در قلمرو زبان تأکید بر سر این است که: «چه بگویم».

ناگفته پیداست در پهنه‌ای که اصل بر «پیام‌رسانی» است، اهل زبان تلاش می‌کند تا به سادگی و با کوتاه‌ترین واژگان (توجه به اصل اقتصاد زبانی) و به دور از هر زیور و پیرایه‌ای سخن خود را بر زبان آورد، اما در پهنه ادبیات، سخنور در پی آن است که زیبایی سخن خود را به آرایه‌ها و زیورها بیاراید و به فریایی بیشتر سخن بگوید. به همین سبب در ادبیات عناصری همچون «احساس»، «عاطفه»، «خیال» و موسیقی‌کارایی ویژه‌ای دارند؛ زیرا در قلمرو ادب، هدف آفرینش زیبایی و هنر است.

به سخنی دیگر، آنچه برای سخنور ادب دان و آشناروی با این قلمرو، با ارزش است، نیکوتر

آراستن سخن است و تمام تلاش و پافشاری بر این است که «چگونه بگوید» و این «چگونه گفتن» را به روشنی در شعرهای دلفریب و خرد آشوب ادب دیرپای فارسی می‌توان باز نمود. بدین سان درمی‌یابیم که ادبیات و زبان از یکدیگر متفاوت اند، چرا که ابزار و روش و هدف‌های هر یک فرق می‌کند. برای روشن شدن تفاوت و پیوند زبان و ادبیات می‌توان گفت: زبان همچون راه رفتن است. حرکتی به هنجار و سامان مند است که بر خاک می‌خزد و بر سطح و افقی روان است ولی ادبیات چونان پایکوبی و رقص است. خیزشی فراهنجار و هنجارگیز است. پدیده‌ای است جوشیده از شور و تپش و پیران. زبان تنها ابزار است در خدمت انسان، مانند رنگ برای نگارگر، سنگ برای پیکر تراش و بتگر و نت و آهنگ برای نوازنده و موسیقی اما ادبیات هنری است که پیامش در سرشت آن نهان است. ناگفته پیداست که نقش زبان در حفظ و پاسداشت مرده ریگ فرهنگی نباید کوچک شمرده شود. «تدریس زبان به خودی خود هدف نیست، بلکه این آموزش باید قاعده‌تاً دری را بر روی دنیای دین و فرهنگ – که زبان تکیه گاه برگزیده اما نه منحصر به فرد آن است، بگشاید. در حقیقت زبان دو نقش دارد: از طرفی ابزاری برای ایجاد ارتباط بین افراد یک جامعهٔ زبانی است و از طرف دیگر تکیه گاه فرهنگ و دین به معنی وسیع آن است که بین عناصر دیگر، ادبیات را دربر می‌گیرد. ادبیات یکی از قلمروهای بسیار مهم گنجینهٔ فرهنگی هر جامعه زبانی است. ادبیات همهٔ فرهنگ نیست بلکه یکی از عناصر مهم آن است. زبان و فرهنگ یکدیگر را نفی نمی‌کند.

پیوند زبان با ادبیات: زبان برای ادبیات ابزار است، یعنی مادهٔ اولیهٔ ادبیات زبان است؛ اما تفاوت در این است که آنچه رنگ و نام ادبیات یافت، دیگر زبان نیست. ادبیات یک حوزهٔ مستقل از حوزهٔ زبان است؛ یعنی همان چیزی که «دکتر شفیع کدکنی» می‌گوید: «حادثه‌ای که در زبان روی می‌دهد». این حادثه گرچه در زبان روی می‌دهد، ولی زبان نیست یعنی زبان از این حادثه به بعد به چیز دیگری تبدیل می‌شود که به حوزهٔ هنرها متعلق است. زبان شناسان تعریف زبان را به این صورت می‌دهند که نظامی است ساخته شده از نشانه‌های آوایی دل‌بخوایی برای انتقال پیامی که در آن از نشانه‌های معنایی (و نه آوایی) و انگیخته (و نه دل‌بخوایی) ساخته شده است و (نه برای ارتباط و نه انتقال بلکه) برای خلق زمینه‌ها و فضاهایی که خواننده چون در آن فضاها قرار بگیرد، خود به آفرینش پیامی در مایهٔ پیام شاعر یا نویسنده می‌پردازد.

آموزش ادبیات و زبان فارسی

اکنون سخن بر سر این است که آیا با جدایی دو قلمرو زبان و ادبیات از یکدیگر، راه کارهای تدریس و سنجه‌های ارزیابی این دو درس یکسان اند؟
 هر درس و پهنه‌ای ابزار بایسته و روش درخور خود را می‌خواهد و اگر جز این باشد، تلاشی

بیهوده است که به گمراهی ره خواهد یافت؛ چرا که درس و بحث زبان را با نگرش منطقی علمی و خردباورانه باید بررسی کرد و آموزش داد؛ اما در درس ادبیات نگرش هنری و ذوقی است که بر احساس و عاطفه استوار است. در درس زبان تعلیم صورت می‌گیرد ولی در ادبیات انگیزش عواطف و پالایش درون منظور نظر است. در درس زبان فارسی مهارت‌ها آموزش داده می‌شود اما در ادبیات تنها با هنرهای زبانی آشنا می‌شویم.

مطالعه و ارزیابی زبان محتاج روش‌ها، شیوه‌ها و نتیجه‌گیری‌هایی است که با آنچه در ارزیابی ادبیات به عنوان یک هنر به کار می‌رود، تفاوت دارد. واضح است داشتن یا نداشتن خط در ارزش زبان به عنوان یک زبان تأثیری ندارد. همان‌طور که داشتن یا نداشتن ادبیات در ارزش یک زبان به عنوان یک زبان تأثیری ندارد. وقتی که ما دربارهٔ ارزش‌های ادبی یا فرهنگی یک زبان سخن می‌گوییم، در واقع اصلاً دربارهٔ خود زبان سخن نمی‌گوییم بلکه دربارهٔ مقام اجتماعی یا اعتبار چیزهایی غیرزبانی مانند فرهنگ و ادبیات گفت و گو می‌کنیم.

بنابراین از ادبیات نباید انتظار داشت که به ما کاربردهای علمی زبان را بیاموزد. ادبیات جنبهٔ تزئینی زبان است. ادبیات مخلوق ذوق و عواطف است و با کاربردهای عملی زبان تفاوت بسیار آشکاری دارد. کوشش برای آموختن زبان از طریق ادبیات به شکستی دو جانبه خواهد انجامید؛ نه زبان آموخته می‌شود و نه ارزش‌های هنری آثار ادبی و آموزه‌های اخلاقی - تربیتی آن به نحو شایسته دریافت می‌شود. آموزش کاربردهای عملی زبان برای پرورش مهارت‌های زندگی در یک جامعهٔ پرتکاپو بسیار ضروری است.

خط و نوشتار: ما زبان و گفتار را در خانه و خط و نوشتار را در مدرسه می‌آموزیم.

زبان و گفتار ریشه در ذات و طبیعت انسان دارد؛ در حالی که خط و نوشتار ذاتی انسان نیست و ریشه در اجتماع و فرهنگ او دارد. انسان همواره از نعمت زبان و گفتار برخوردار بوده است. سابقهٔ زبان و گفتار به میلیون‌ها سال پیش باز می‌گردد ولی سابقهٔ خط و نوشتار به حدود ده هزار سال پیش می‌رسد.

خط و نوشتار خاستگاه اجتماعی و فرهنگی دارد و ساختهٔ خود انسان است. ما هنگام یادگیری زبان، این استعداد خدادادی را در قالب زبان مشخص می‌ریزیم؛ یعنی آن را بسته به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، به شکل زبان فارسی یا عربی یا انگلیسی و ... درمی‌آوریم. خط و نوشتار را انسان بنا به ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی اختراع کرده و برای تثبیت زبان و گفتار به کار گرفته است.

خط و نوشتار به طور غیر مستقیم و به واسطه گفتار با زبان پیوند می خورد. به این معنا که نخست زبان را به صورت گفتار درمی آوریم، آنگاه گفتار را به کمک خط به شکل نوشتار می نویسیم.

اطلاعات کمکی

زندگی نامه: رهبر عالی قدر، حضرت آیت الله سیدعلی خامنه‌ای فرزند مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جواد حسینی خامنه‌ای، در روز ۲۴ تیرماه ۱۳۱۸ برابر با ۲۸ صفر ۱۳۵۸ قمری در مشهد مقدس چشم به دنیا گشود.

رهبر بزرگوار در بیان نخستین خاطره‌های زندگی خود از وضع و حال زندگی خانواده شان چنین می گویند:

«پدرم روحانی معروفی بود؛ اما خیلی پارسا و گوشه گیر... زندگی ما به سختی می گذشت، من یادم هست شب‌هایی اتفاق می افتاد که در منزلمان شام نبود! مادرم با زحمت برای ما شام تهیه می کرد و... آن شام هم نان و کشمش بود».

«منزل پدری من که در آن متولد شده‌ام، تا چهار - پنج سالگی من، یک خانه ۶۰-۷۰ متری در محله فقیرنشین مشهد بود که فقط یک اتاق داشت و یک زیرزمین تاریک و خفه‌ای، هنگامی که برای پدرم میهمان می آمد، همه ما باید به زیرزمین می رفتیم تا میهمان برود. بعد عده‌ای که به پدر ارادت می داشتند، زمین کوچکی را کنار این منزل خریده، به آن اضافه کردند و ما دارای سه اتاق شدیم».

رهبر انقلاب، این گونه پرورش یافتند و از چهارسالگی به مکتب سپرده شد تا الفبا و قرآن را بیاموزند. سپس در مدرسه تازه تأسیس اسلامی «دارالتعلیم دیانتی» ثبت نام کردند و این دوران تحصیل ابتدایی را در آن مدرسه گذراندند.

در حوزه علمیه: ایشان در دوره دبیرستان، خواندن «جامع المقدمات» و صرف و نحو را آغاز کردند. سپس از مدرسه جدید وارد حوزه علمیه شدند و نزد پدر و دیگر استادان وقت، ادبیات و مقدمات را خواندند.

درباره انگیزه ورود به حوزه علمیه و انتخاب راه روحانیت می گویند: «عامل و موجب اصلی در انتخاب این راه نورانی روحانیت پدرم بود و مادرم نیز علاقه مند و مشوق بودند».

در سال ۱۳۳۶ به قصد زیارت عتبات عالیات، عازم نجف اشرف شدند و با مشاهده و شرکت در درس‌های خارج مجتهدان بزرگ حوزه نجف اوضاع درس و تدریس و تحقیق آن حوزه علمیه را پسندیدند و پدر را از قصد خود آگاه ساختند. ولی پدر موافقت نکردند. پس از مدتی ایشان به

مشهد بازگشتند.

آیت الله خامنه‌ای از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۳ در حوزه علمیه قم به تحصیلات عالی در فقه و اصول و فلسفه، مشغول شدند و از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، امام خمینی، شیخ مرتضی حائری یزدی و علامه طباطبایی استفاده کردند. در سال ۱۴۳۴ از مکاتباتی که رهبر انقلاب با پدرشان داشتند، متوجه شدند که یک چشم پدر به علت آب مروارید نابینا شده است. بسیار غمگین شدند و به این نتیجه رسیدند که به خاطر خدا از قم به مشهد هجرت کنند و از پدرشان مواظبت نمایند. ایشان در این مورد می‌گویند:

«به مشهد رفتم و خدای متعال توفیقات زیادی به ما داد. به هر حال به دنبال کار و وظیفه خود رفتم. اگر بنده در زندگی توفیقی داشتم، اعتقادم این است که ناشی از همان بڑی (نیکی) است که به پدر، بلکه به پدر و مادر انجام داده‌ام». ایشان در مشهد از ادامه درس دست برداشتند و جزایم تعطیل یا مبارزه و زندان و مسافرت، به طور رسمی تحصیلات فقهی و اصولی خود را تا سال ۱۳۴۷ در محضر اساتید بزرگ حوزه مشهد به ویژه آیت الله میلانی ادامه دادند. همچنین از سال ۱۳۴۳ که در مشهد ماندگار شدند، در کنار تحصیل و مراقبت از پدر پیر و بیمار، به تدریس کتب فقه و اصول و معارف دینی به طلاب جوان و دانشجویان نیز می‌پرداختند.

مبارزات سیاسی: آیت الله خامنه‌ای به گفته خویش «از دانش‌آموزان فقهی، اصولی، سیاسی و انقلابی امام خمینی (ره) هستند»؛ اما نخستین جرقه‌های سیاسی و مبارزاتی و دشمنی با طاغوت را مجاهد بزرگ و شهید راه اسلام شهید «سید مجتبی نواب صفوی» در ذهن ایشان زده است؛ هنگامی که نواب صفوی با عده‌ای از فدائیان اسلام در سال ۳۱ به مشهد رفته در مدرسه سلیمان خان، سخنرانی پرهیجان و بیدارکننده‌ای در موضوع احیای اسلام و حاکمیت احکام الهی و فریب و نیرنگ شاه و انگلیس و دروغگویی آنان به ملت ایران، ایراد کردند. آیت الله خامنه‌ای آن روز از طلاب جوان مدرسه سلیمان خان بودند و به شدت تحت تأثیر سخنان آتشین نواب واقع شدند. ایشان می‌گویند: «همان وقت جرقه‌های انگیزش انقلاب اسلامی به وسیله نواب صفوی در من به وجود آمده و هیچ شکی ندارم که اولین آتش را مرحوم نواب در دل ما روشن کرد».

همراه با نهضت امام خمینی (قدس سره): آیت الله خامنه‌ای از سال ۱۳۴۱ که در قم حضور داشتند و حرکت انقلابی و اعتراض‌آمیز امام خمینی (ره) علیه سیاست‌های ضد اسلامی و آمریکا پسند محمدرضا شاه پهلوی، آغاز شد، وارد میدان مبارزات سیاسی شدند و شانزده سال تمام با وجود فراز و نشیب‌های فراوان و شکنجه‌ها و تبعیدها و زندان‌ها مبارزه کردند و در این مسیر از هیچ خطری

نترسیدند. نخستین بار در ۹ محرم (۱۲ خرداد ۱۳۴۲) دستگیر و یک شب بازداشت شدند و فردای آن به شرط اینکه منبر نروند و تحت نظر باشند، آزاد شدند. با پیش آمدن حادثه خونین ۱۵ خرداد باز هم ایشان را از بیرجند به مشهد آورده، تحویل بازداشتگاه نظامی دادند و ده روز در آنجا با سخت‌ترین شرایط و شکنجه و آزارها زندانی شدند.

دومین بازداشت: در بهمن ۱۳۴۲ پس از دو، سه روز توقف در کرمان و سخنرانی و منبر و دیدار با علما و طلاب آن شهر، عازم زاهدان شدند. در روز پانزدهم رمضان که مصادف با میلاد امام حسن (ع) بود، صراحت و شجاعت و شور انقلابی ایشان در افشاگری سیاست‌های شیطانی و آمریکایی رژیم پهلوی، به اوج رسید و ساواک شبانه ایشان را دستگیر و با هواپیما روانه تهران کرد. رهبر بزرگوار، حدود دو ماه - به صورت انفرادی - در زندان قزل قلعه حبس شدند و انواع اهانتهای و شکنجه‌ها را تحمل کردند.

سومین و چهارمین بازداشت: کلاس‌های تفسیر و حدیث و اندیشه اسلامی ایشان در مشهد و تهران با استقبال کم نظیر جوانان پرشور و انقلابی مواجه شد. همین فعالیت‌ها سبب عصبانیت ساواک شد و ایشان را مورد تعقیب قرار دادند. بدین خاطر در سال ۱۳۴۵ در تهران مخفیانه زندگی می‌کردند و یک سال بعد در سال ۱۳۴۶ دستگیر و محبوس شدند. فعالیت‌های علمی و برگزاری جلسات و تدریس و روشنگری عالمانه و مصلحانه بود که موجب شد آن بزرگوار بار دیگر توسط ساواک جهنمی پهلوی در سال ۱۳۴۹ نیز دستگیر و زندانی شود.

پنجمین بازداشت: حضرت آیت الله خامنه‌ای «مدظله» درباره پنجمین بازداشت خویش توسط ساواک می‌نویسد:

«از سال ۴۸ زمینه حرکت مسلحانه در ایران محسوس بود. حساسیت و شدت عمل دستگاه‌های جاری رژیم پیشین نیز نسبت به من، افزایش یافت. سال ۵۰ مجدداً و برای پنجمین بار به زندان افتادم. پس از آزادی دایره درس‌های عمومی تفسیر و کلاس‌های مخفی ایدئولوژی و ... گسترش بیشتری پیدا کرد».

ششمین بازداشت: در بین سال‌های ۱۳۵۳ - ۱۳۵۰ درس‌های تفسیر و ایدئولوژی آیت الله خامنه‌ای در سه مسجد «کرامت»، «امام حسن (ع)» و «میرزا جعفر» مشهد مقدس تشکیل می‌شد و هزاران نفر از مردم مشتاق به ویژه جوانان آگاه و روشنفکر و طلاب انقلابی و معتقد را به این سه مرکز می‌کشاند و با تفکرات اصیل اسلامی آشنا می‌ساخت. این فعالیت‌ها موجب شد که در دی ماه ۱۳۵۳ ساواک بی‌رحمانه به خانه آیت الله خامنه‌ای در مشهد هجوم برده، ایشان را دستگیر و بسیاری از

یادداشت‌ها و نوشته‌هایشان را ضبط کنند. این ششمین و سخت‌ترین بازداشت ایشان بود و تا پاییز ۱۳۵۴ در زندان کمیته مشترک شهرداری زندانی بودند.

در تبعید: رژیم جنایتکار پهلوی در اواخر سال ۱۳۵۶، آیت‌الله خامنه‌ای را دستگیر و برای مدت سه سال به ایرانشهر تبعید کرد. در اواسط سال ۱۳۵۷ با اوج‌گیری مبارزات عموم مردم مسلمان و انقلابی ایران، ایشان از تبعیدگاه آزاد شده، به مشهد مقدس بازگشتند و در صفوف مقدم مبارزات مردمی علیه رژیم سفاک پهلوی قرار گرفتند.

پس از پیروزی: در جهت نزدیک‌تر شدن به اهداف انقلاب گام‌های بلند و مؤثری برداشتند که همه در نوع خود و در زمان خود بی‌نظیر و بسیار مهم بودند:

● پایه‌گذاری «حزب جمهوری اسلامی» با همکاری و همفکری علمای مبارز و هم‌رزم خود
شهید بهشتی (ره)، شهید باهنر (ره)، هاشمی‌رفسنجانی و ... در اسفندماه ۱۳۵۷.

● معاونت وزارت دفاع در سال ۱۳۵۸

● سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۵۸

● امام جمعه تهران ۱۳۵۸

● نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۸

● نماینده امام خمینی (قدس سره) در شورای عالی دفاع، ۱۳۵۹.

● حضور فعال و مخلصانه در لباس رزم در جبهه‌های دفاع مقدس، در سال ۱۳۵۹

● ریاست جمهوری؛ به دنبال شهادت محمدعلی رجایی دومین رئیس‌جمهور ایران، آیت‌الله خامنه‌ای

در مهرماه ۱۳۶۰ با کسب بیش از شانزده میلیون رأی مردمی و حکم تنفیذ امام خمینی (قدس سره) به مقام ریاست جمهوری اسلامی ایران برگزیده شدند. همچنین از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸ برای دومین بار به این مقام و مسئولیت انتخاب شدند.

● ریاست شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۰

● ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۶۶

● ریاست شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۶۸

● رهبری و ولایت امت، که از سال ۱۳۶۸ روز چهاردهم خرداد پس از رحلت رهبر کبیر انقلاب

امام خمینی (قدس سره) توسط مجلس خبرنگان رهبری به این مقام والا و مسئولیت عظیم انتخاب شدند، و با شایستگی تمام توانستند امت مسلمان ایران، بلکه مسلمانان جهان را رهبری نمایند.

منبع: پایگاه رایانه‌ای <http://www.leader.ir>، با تلخیص

شعرخوانی: راز شکوفایی

مولانا جلال الدین محمد: در سال ۶۰۴ هـ. ق در بلخ متولد شد. شهرتش به روم به سبب طول اقامت و وفات او در شهر قونیه است، ولی خود او همواره خویش را از مردم خراسان می‌شمرده است؛ اگرچه وطن در چشم او «مصر و عراق و شام نیست».

پدر وی بهاء الدین ولد که لقب «سلطان العلماء» داشت، مدرس و واعظی خوش بیان و عرفان‌گرا بود و چون از خوارزمشاه رنجشی یافت، با جلال الدین که کودکی خردسال بود، از بلخ بیرون آمد و عزیمت حج کرد. در همین سفر وقتی که به نیشابور رسیدند، عطار به دیدن بهاء ولد آمد و مثنوی اسرار نامه خود را به او هدیه کرد و چون جلال الدین را که کودکی حدوداً دوازده ساله بود، دید، گفت: «زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند».

برهان الدین محقق ترمذی، شمس الدین محمد بن علی ملک داد (شمس تبریزی) صلاح الدین زرکوب و حسام الدین چلبی از بزرگانی بودند که پس از مرگ پدر تأثیری بسزا در زندگی مولانا برجا گذاشتند.

مولانا روز یکشنبه پنجم جمادی الاخر سال ۶۷۲ هـ. ق زندگی را بدرود گفت. بر سر تربت او بارگاهی ساختند، مشهور به «قُبَّةُ الخضر» که در شهر قونیه ترکیه واقع است. آثار او عبارت‌اند از: مثنوی معنوی، غزلیات شمس تبریزی، رباعیات، فیه ما فیه، مکاتیب و مجالس سبعة.

(تلخیص از لغت نامه دهخدا)

«مثنوی معنوی» معروف ترین مثنوی زبان فارسی است. این کتاب دارای شش دفتر است که دفتر نخستین آن، میانه سال ۶۵۷ تا ۶۶۰ آغاز شده و دفتر ششم آن در اواخر دوران زندگی مولانا پایان گرفته است. چند بیتی که در شعرخوانی این فصل آمده، برگرفته از دفتر اول مثنوی است که در آن مولانا خویشتن داری و تقوای زبان و رازپوشی را رمز شکوفایی و نردبان تعالی و ترقی خوانده است.

درس چهارم: با بهاری که می‌رسد از راه

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با فصل شکفتن و دوره بلوغ نوجوانان
- ۲- توجه بیشتر به برخی ویژگی‌های رفتاری نوجوانان در دوره بلوغ
- ۳- آشنایی با زیبایی‌های طبیعت، دوستی‌های مثبت، هنرها و ...
- ۴- ایجاد علاقه نسبت به زیبایی‌ها اعم از طبیعی، عاطفی و هنری
- ۵- علاقه نسبت به ارتباط با خدا و دوستی با او
- ۶- مهارت مواجه شدن با مسائل دوره شکفتن و بلوغ

روش پیشنهادی تدریس

با روش «تدریس اعضای تیم» می‌توان به آموزش شعر «با بهاری که می‌رسد از راه» و «زیبایی شکفتن» پرداخت. همچنین از روش «روشن سازی طرز تلقی» نیز آموزش این درس امکان پذیر است.

نکات مهم درس

این درس از دو قسمت تشکیل شده است: شعری با عنوان «با بهاری که می‌رسد از راه» سروده محمد جواد محبت و «زیبایی شکفتن»، در پایان فصل نیز روان خوانی «کزال» نوشته خانم طاهره ایبند آمده است.

قالب شعر «با بهاری که می‌رسد از راه» چهار پاره و از هشت بیت تشکیل شده است. در بخش «زیبایی شکفتن» ویژگی‌های رفتاری و عادت‌ها و نیازها و سلیقه‌های نوجوان مورد توجه قرار گرفته است.

محمد جواد محبت: وی متولد سال ۱۳۲۲ در شهر کرمانشاه است. ایشان به معلمی اشتغال و با اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز همکاری داشته است.

برخی از آثار ایشان عبارت‌اند از: رگبار کلمات، کوچه باغ آسمان، با بال این پرنده سفرکن و ...

منابع آموزشی

برای آموزش این درس، می‌توان از اطلاعات موجود در شبکه اینترنت و رایانه استفاده کرد.

همچنین مراجعه به آثار ذکر شده می‌تواند منجر به آشنایی بیشتر با درس‌های موجود و در نهایت آموزش مناسب‌تر گردد.

ارزشیابی درس

ارزشیابی از این درس می‌تواند به صورت شفاهی، کتبی و با استفاده از چک لیست صورت گیرد.

روان خوانی: کژال

کژال، داستان کوتاهی است از خانم طاهره ایبد. درون مایه این داستان بر مقاومت و ایستادگی در برابر تهاجم بدخواهان و جان فشانی کردن برای حفظ خانه و همنوع و سرزمین و دفاع از هستی انسان، تأکید دارد. زاویه دید این داستان، روایت به شیوه سوم شخص مفرد است.

شخصیت‌ها

۱- **کژال:** مادری که کودک شیرخواره در آغوش دارد و برای دیدن عمه کابوک روانه می‌گردد. یادآوری: کژال در زبان کُردی به فتح «ک» تلفظ می‌شود و به معنای دختر زیبا و رعنا و چشم عسلی است؛ گویا با واژه غزل و غزال از دید ریشه شناسی، پیوندی دارد.

۲- **روناک:** کودک شیرخوار و دختر قنداقه‌ای کژال.

۳- **گرگ:** که بر سر راه کژال نمایان می‌شود و کودک قنداقه‌ای کژال را می‌رباید.

۴- **هه ژار:** شوهر کژال که در داستان حضور ندارد و فقط این کژال است که در برابر گرگ فریاد می‌زند و او را به کمک می‌طلبد.

۵- **آزاد:** جوان کشاورز روستایی که به کمک کژال می‌آید و پنجه در چنگال گرگ می‌افکند و با او درگیر می‌شود و پس از مدتی درگیری با آن، سرانجام گرگ را از پا درمی‌آورد، هرچند که خود نیز زخم فراوان دارد و نفس‌هایش به شماره می‌افتد اما روناک را نجات می‌دهد.

نثر داستان، یک دست و روان است. نویسنده در چند مورد از گویش کردی بهره گرفته و افزون بر انتخاب نام، برخی از ترکیب و جمله‌ها را به همان گویش آورده و ضمن قرار دادن داستان در فضایی پاک و سرشار از جوانمردی و عطوفت و صفا، رنگ بومی - محلی خاصی به آن بخشیده است و اتفاقاً همین عامل، گیرایی و جذابیت داستان را افزوده است.

طاهره ایبد

متولد دی ماه ۱۳۴۲ در شیراز است. وی کارهای هنری را از سال ۱۳۶۱ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شیراز آغاز کرده است. سال ۶۴ به تهران آمد و با آقای بیوک ملکی شاعر و نقاش کتاب‌های کودکان و نوجوانان ازدواج کرد. فوق دیپلم زبان انگلیسی است. کتاب‌های داستانی زیادی از او به چاپ رسیده که تعدادی از آنها جایزه هم برده است؛ از جمله : ۱- باغچه توی گلدان ۲- به هوای گل سرخ ۳- خانواده آقای چرخشی .

فصل سوم

اخلاق و زندگی

(درس پنجم، درس ششم، درس هفتم)

شعر خوانی، حکایت، روان خوانی

درس پنجم: قلب کوچکم را به چه کسی بدهم؟

اهداف آموزشی

- ۱- شناخت بیشتر یک نمونه نثر داستانی
- ۲- شناخت ابعاد زیبا شناسانه نثر (تکرار، ...)
- ۳- آشنایی با یکی از چهره‌های ادبی ایران (نادر ابراهیمی)
- ۴- شناخت بیشتر مفعول در زبان فارسی
- ۵- تقویت روحیه مناسب اخلاقی و حس محبت و دوستی
- ۶- تقویت عادت درست گوش دادن (با بیان داستان به گونه‌ای جذاب) و تقویت مهارت خوب شنیدن
- ۷- دقت و تشخیص در آهنگ کلام
- ۸- نقد و تحلیل شنیده‌ها
- ۹- برانگیختن و تشویق دانش‌آموزان به سخن گفتن در جمع
- ۱۰- تقویت توانایی گفتار برای غلبه بر کم‌رویی (اجرای نمایش به وسیله گروه‌های دانش‌آموزی درباره اهداف کلی و پیام اصلی درس)
- ۱۱- تقویت توانایی و خودباوری دانش‌آموزان به منظور بیان صحیح احساسات، آرزوها، اندیشه‌ها، مشاهدات، شنیده‌ها و خواننده‌ها

۱۲- شرکت فعال در بحث‌ها و گفت‌وگوها (مثلاً انتخاب یک عنوان مناسب برای درس)

۱۳- توانایی خواندن نثر با لحن و آهنگ مناسب

۱۴- توانایی اظهارنظر درباره شخصیت‌های داستان (در این درس اظهارنظر درباره شخصیت

اصلی داستان و شخصیت‌هایی مانند پدر و مادر در مقابل شخصیتی چون عموی پدر با ویژگی‌های عنوان شده)

۱۵- توانایی استفاده مناسب از قوه تخیل در به کارگیری مهارت‌های زبانی

روش‌های پیشنهادی تدریس

۱- **قصه گویی:** در آغاز درس با این روش و بیان یک قصه مرتبط با پیام درس می‌توان انگیزه لازم را در دانش‌آموزان ایجاد کرد و ارتباط مناسب جهت گوش سپردن به بقیه مطالب را به وجود آورد.

۲- **روش حل مسئله:** در ضمن استفاده از روش قصه گویی، با استفاده از روش حل مسئله می‌توان زمینه را جهت ابراز احساسات و عواطف دانش‌آموزان ایجاد کرد؛ به این ترتیب که در ضمن بیان قصه در مواردی که قهرمان داستان قرار است تصمیم‌گیری مهمی کند یا مشکلی را حل نماید، به جای بیان ادامه داستان، از دانش‌آموزان بخواهیم بقیه داستان را ادامه دهند.

۳- **روشن سازی طرز تلقی:** هنگام ارزشیابی تکوینی می‌توان از این روش استفاده کرد؛ به این ترتیب که متن یا جملات ناقصی درباره پیام درس (اهمیت مهرورزی) بیان شود و دانش‌آموزان با تکمیل متن، طرز تلقی خود را ارائه دهند؛ سپس دانش‌آموزان به صورت گروهی طرز تلقی خود را ارزیابی می‌کنند.

۴- **پرسش و پاسخ:** در ضمن استفاده از روش‌های قبل از روش پرسش و پاسخ نیز استفاده می‌شود.

۵- **روش واحد کار:** در ارزشیابی پایانی درس، می‌توان از این روش استفاده کرد، به این ترتیب که دانش‌آموزان درباره محتوا و پیام درس، در زندگی شاعران، نویسندگان، شخصیت‌های مذهبی، علمی و اجتماعی تحقیق کنند.

۶- **روش قضاوت عملکرد:** پس از تدریس، هنگامی که دانش‌آموزان قرار است نوشته را از لحاظ ویژگی‌های زبانی و ادبی نقد و تحلیل کنند، می‌توان از این روش استفاده کرد. هنگامی که دانش‌آموزان قرار است متن را از نظر سبک و نوشتار (داستانی)، زیباشناسی نثر و ویژگی‌های زبانی و ... بررسی کنند، می‌توانند معیارهای قضاوت درباره نوشته‌های داستانی و ... را به کمک دبیر تدوین کنند و بعد نوشته را نقد کنند.

۷- روش ایفای نقش و نمایش خلاق در جلسه بعد از تدریس توسط دانش‌آموزان

روش‌های خواندن متن

- خواندن تجسمی

- خواندن انتقادی

- خواندن التذازی

رسانه آموزشی

۱- فیلم

۲- کتاب‌های داستان مناسب با اهداف درس جدید (اهمیت مهرورزی نسبت به هم نوعان)

۳- استفاده از تصویر

ایجاد ارتباط و انگیزه سازی

۱- نمایش یک فیلم، یک داستان یا خاطره، در زمینه اهمیت مهرورزی و ادب نسبت به دیگران

۲- نشان دادن تصاویری جذاب درباره اهمیت محبت به دیگران

۳- استفاده از اشعار بزرگان علم و ادب و بیان تمثیل

۴- استفاده از یک پرسش جالب و انگیزشی جهت شروع بحث

۵- اجرای یک نمایش کوتاه توسط اعضای کلاس برای جلب توجه دانش‌آموزان به موضوع

ارزشیابی تشخیصی

۱- بیان داستان یا خاطره‌ای کوتاه در زمینه اهمیت مهرورزی و ناقص گذاشتن آن و تکمیل

آن توسط دانش‌آموزان به این طریق که دانش‌آموزان خود را به جای شخصیت‌های اصلی داستان قرار دهند و احساسات و عواطف خود را بیان کنند. به این ترتیب نگرش دانش‌آموزان نسبت به پیام داستان مشخص می‌شود.

۲- بیان سؤالاتی درباره آشنایی دانش‌آموزان با نویسندگان معاصر و آشنایی با نویسنده مورد نظر

در درس

۳- هدایت دانش‌آموزان در جهت آشنایی با سبک نوشتاری داستان و خلاصه نویسی

۴- بیان سؤالاتی در زمینه آرایه‌هایی که دانش‌آموزان خوانده‌اند و سؤالاتی جهت ایجاد آمادگی

تدریس آرایه تکرار

فعالیت‌های معلم/ دانش‌آموز

مراحل تدریس شامل

۱- آمادگی و ایجاد انگیزه (در قسمت ایجاد ارتباط و انگیزه سازی عنوان شد)
آمادگی معلم: شامل آماده کردن یک داستان کوتاه یا نمایش یک فیلم در زمینه درس، استفاده از تصاویر، مطرح کردن عنوان درس به صورت سؤال و فراهم کردن زمینه جهت تفکر خلاق دانش‌آموزان و ابراز احساسات و تلطیف آن

آمادگی با دانش‌آموز: معلم با شیوه مناسب در آغاز درس توجه دانش‌آموزان را به موضوع جلب می‌کند (بیان یک داستان کوتاه، نمایش فیلم، بیان یک سؤال تفکر انگیز و...)
آماده کردن وسایل: فیلمی کوتاه درباره اهمیت مهرورزی، تصاویر مناسب کتاب‌های داستان با زندگی‌نامه بزرگان دین، علم و ادب که اهمیت مهرورزی را در موفقیت آنان نشان دهد.

۲- معرفی درس و بیان هدف‌های آموزشی

پس از ایجاد انگیزه و ارتباط و انجام مراحل مقدماتی تدریس، معرفی، می‌تواند با بیان عنوان درس آغاز شود، سپس عنوان را به صورت سؤال مطرح کرد و از دانش‌آموزان خواست نظر خود را درباره آن بیان کنند.

بیان سؤالاتی در زمینه نویسندگان معاصر و سبک نوشتاری آنها، پس از آن می‌توانیم چند سؤال طرح کنیم که در واقع جواب آنها اهداف آموزشی درس است و به دانش‌آموزان بگوییم که پس از پایان درس باید بتوانند به این سؤالات پاسخ دهند.

در ارائه درس از روش‌های عنوان شده در قسمت روش‌های تدریس استفاده می‌شود.
ارائه درس در قالب داستان گویی است و در ضمن آن از روش‌های حل مسئله، پرسش و پاسخ، بحث و تبادل نظر گروهی و... استفاده می‌شود که به این ترتیب ضمن آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با قالب داستان، مفاهیم با استفاده از این شیوه به صورت مؤثرتری منتقل می‌شود.

روخوانی درس: در این مرحله از روش‌های خواندن تجسمی، انتقادی و التذادی استفاده می‌شود. برای این کار قبل از روخوانی، سؤالاتی مطرح می‌شود تا دانش‌آموزان با دقت و حس کنجکاوی متن را بخوانند. به دانش‌آموزان بگوییم که پس از خواندن متن، درباره ویژگی‌های نوشته، سبک نویسنده و... بحث خواهیم کرد و به این ترتیب دانش‌آموزان درباره موضوع به تجزیه و تحلیل، ارزش‌گذاری و قضاوت مطالب می‌پردازند.

همچنین برای پرورش حس زیباشناسی و تقویت ذوق ادبی دانش‌آموزان، از آنها خواهیم که در

ضمن خوانده شدن متن به دنبال یافتن زیبایی‌های ادبی (آرایه‌های ادبی) باشند.

در این قسمت دانش‌آموزان آرایه‌هایی را که تاکنون خوانده‌اند و در درس وجود دارد، می‌یابند. در ادامه به آنها می‌گوییم که در این درس با یک آرایه جدید آشنا می‌شوند، سپس قسمت‌هایی را که دارای آرایه تکرار است؛ انتخاب می‌کنیم. از آنها می‌خواهیم بخوانند و بعد می‌پرسیم: چه قسمت‌هایی تکرار شده است؟ آیا این تکرارها زاید است؟ به نظر شما هدف نویسنده از تکرار این قسمت‌ها چه بوده است؟ و بعد توضیحات آنها را کامل می‌کنیم. از فعالیت‌های ضمن تدریس می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱- استفاده مناسب از رسانه‌هایی چون تصویر، فیلم کوتاه یا اجرای نمایش

۲- هدایت دانش‌آموزان به سوی مشارکت در فعالیت‌های تدریس به وسیله گفتن جملات ناقص یا متن کوتاه در زمینه اهداف درس و تکمیل آنها توسط دانش‌آموزان یا مطرح شدن عنوان درس به صورت سؤال و ایجاد زمینه تفکر و بعد اظهار نظر دانش‌آموزان و بیان نمونه‌هایی از زندگی بزرگان توسط معلم

۳- استفاده از روش‌های یادگیری تعاملی

۴- استفاده از شیوه‌های متنوع و توجه به رویکردهای عام و خاص برنامه درسی جهت هدایت

صحیح دانش‌آموزان

۵- ایجاد محیط غیر رسمی توأم با انسان دوستی و سرشار از صفا و صمیمیت مناسب با درس در مرحله ارزشیابی تکوینی می‌توان از روش روشن‌سازی طرز تلقی استفاده کرد. در مرحله ارزشیابی پایانی از روش قضاوت عملکرد و روش واحد کار استفاده می‌شود که انجام روش اول و مشاهده نتیجه در روش دوم، مربوط به جلسه بعد است.

ارزشیابی تکوینی و پایانی: بعد از مرحله انگیزه‌سازی و نمایش فیلم کوتاه یا بیان داستان، با طرح سؤالاتی باید دریافت که آیا دانش‌آموزان به پیام فیلم دست یافته‌اند یا نه (بدون اشاره مستقیم به پیام) در مرحله بعد نمونه‌های مشابه در زندگی روزمره یا از کتاب‌ها توسط دانش‌آموزان ارائه می‌شود.

ارزشیابی پایانی

۱- از طریق مشاهده تغییرات مطلوب در رفتار دانش‌آموزان

۲- دادن تمرین‌هایی در زمینه نگارش و هدف و پیام درس، از جمله:

تکمیل جملات ناقص، کاربرد کلمات در متن و ...

۳- متن ارزشیابی پایانی در این درس می‌تواند به صورت پرسش نامه طراحی گردد.

۴- ارزشیابی پایانی را می‌توان به صورت گزارش دانش‌آموزی و دادن موضوع تحقیق انجام داد.

فعالیت‌های خلاقانه دانش‌آموز

- انجام نمایش (با ابتکار دانش‌آموزان) درباره موضوع درس (انجام تئاتر در کلاس)
- تهیه جدول با عنوان و سؤالاتی که بتواند زمینه‌ساز بیان احساسات و عواطف دانش‌آموزان باشد و با مفهوم درس ارتباط داشته باشد.
- انتخاب عنوان مناسب دیگر توسط دانش‌آموزان
- نوشتن جملات زیبا (با کاربرد دانش ادبی) درباره تصاویری که در اختیار دانش‌آموزان قرار داده شده است.

تکلیف (تکلیف عمومی): می‌توان قبل از تدریس کتاب‌هایی مناسب و مرتبط با موضوع معرفی کرد و دانش‌آموزان پس از مطالعه آنها خلاصه کتاب‌ها را قبل از تدریس ارائه دهند. پس از تدریس نیز دانش‌آموزان درباره اهمیت محبت و مهرورزی در نظر بزرگان علم و ادب تحقیقی انجام دهند.

تکلیف گروهی: تقسیم دانش‌آموزان به چند گروه و موظف شدن هر گروه به اجرای یک نمایش درباره محتوای درس با برداشت از سرگذشت بزرگان دین، علم و ادب و ...

اطلاعات کمکی

آشنایی با نادر ابراهیمی: متن زیر، شناخت نامه‌ای از نادر ابراهیمی به تدوین همسر اوست. نادر ابراهیمی در (چهاردهم) فروردین ماه سال ۱۳۱۵ در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در این شهر گذراند و پس از گرفتن دیپلم ادبی از دبیرستان دارالفنون به دانشکده حقوق وارد شد؛ اما این دانشکده را پس از دو سال رها کرد و سپس در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به درجه لیسانس رسید. او از ۱۳ سالگی به یک سازمان سیاسی پیوست که بارها دستگیری، بازجویی و زندان رفتن را برایش در پی داشت. ارائه فهرست کاملی از شغل‌های ابراهیمی، کار دشواری است. او خود در دو کتاب «ابن مشغله» و «ابوالمشاغل» ضمن شرح وقایع زندگی، به فعالیت‌های گوناگون خود نیز پرداخته است. از جمله شغل‌های او: کمک کارگری تعمیرگاه سیار در ترکمن صحرا، کارگری چاپخانه، حسابداری و تحویل‌داری بانک، صفحه‌بندی روزنامه و مجله و کارهای دیگر چاپ، میرزایی یک حجرة فرش در بازار، مترجمی و ویراستاری، ایرانشناسی عملی و چاپ مقاله‌های ایران‌شناختی،

فیلم‌سازی مستند و سینمایی، مصور کردن کتاب‌های کودکان، مدیریت یک کتاب فروشی، خطاطی، نقاشی و نقاشی روی روسری و لباس، تدریس در دانشگاه‌ها و ... بوده است.

در تمام سال‌های پرکار و بیکار یا وقت‌هایی که در زندان به سر می‌برد، نوشتن را - که از ۱۶ سالگی آغاز کرده بود - کنار نگذاشت. در سال ۱۳۴۲ نخستین کتاب خود را با عنوان «خانه‌ای برای شب» به چاپ رساند که داستان «دشنام» در آن با استقبالی چشمگیر مواجه شد. تا سال ۱۳۸۰ علاوه بر صدها مقاله تحقیقی و نقد، بیش از صد کتاب از او چاپ و منتشر شد.

تألیفات برای کودکان : کلاغ‌ها (جایزه اول فستیوال کتاب‌های کودکان توکیو ژاپن، جایزه اول - سبب طلایی - براتیسلاو، جایزه اول تعلیم و تربیت از یونسکو)، سنجاب‌ها، دور از خانه (کتاب برگزیده شورای کتاب کودک) قصه گل‌های قالی، پهلوان پهلوانان، پوریای ولی (جایزه بزرگ جشنواره کتاب کودکان کنکور نوما، ژاپن)، باران - آفتاب و قصه کاشی، بزی که گم شد، من راه خانه ام را گم کرده ام، سفرهای دور دنیا از هامی و کامی در وطن، پدر چرا توی خانه مانده است (از مجموعه «قصه‌های انقلاب برای کودکان»)، جای او خالی (همان)، نیروی هوایی (همان)، سحرگهان همافرها اعدام می‌شوند (همان)، برادرت را صدا کن (همان)، برادر من مجاهد (همان)، نامه فاطمه (همان)، پاسخ نامه فاطمه (همان)، مامان! من چرا بزرگ نمی‌شوم (از مجموعه «قصه‌های ریحانه خانم»)، روزی که فریادم را همسایه‌ها شنیدند (همان)، آدم وقتی حرف می‌زند چه شکلی می‌شود (همان)، درخت قصه - قمری‌های قصه (جایزه کتاب برگزیده از سوی هیئت داوران بزرگسال کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، جایزه کتاب برگزیده از سوی هیئت داوران خردسال، ترجمه شده به زبان روسی در ترکمنستان)، عبدالرزاق پهلوان، آن که خیال بافت و آن که عمل کرد، حکایت کاسه‌ای آب خنک (از مجموعه «نوسازی حکایت‌های خوب قدیم برای کودکان»)، حکایت دو درخت خرما (همان)، آن شب که تا سحر (همان)، قلب کوچکم را به چه کسی هدیه بدهم؟ (دیپلم افتخار نخستین نمایشگاه تصویرگران کتاب کودک)، مثل پولاد باش بسرم، مثل پولاد (از مجموعه «ایران را عزیز بداریم»)، داستان سنگ و فلز و آهن (همان)، با من آشنا شد (همان)، با من دوست شو (همان)، هستم اگر می‌روم، گر نروم نیستم (همان)، راستی اگر نبود (همان)، کمیاب و قدیمی اما ... (همان) مدرسه بزرگ تری هم وجود دارد (همان)، گل‌آباد دیروز، گل‌آباد امروز (همان)، گل‌آباد فردا (همان)، فرهنگ فرآورده‌های فلزی ایران (همان)، هفت آموزگار مهربان (همان)، ما مسلمانان این آب و خاکیم، قصه سار و سبب، قصه موش خودنما و شتر باصفا، با من بخوان تا یاد بگیری، حالا دیگر می‌خواهم فکر کنم، قصه قالیچه‌های شیری، همه گربه‌های من (۱ و ۲)، دیدار با آرزو، از پنجره نگاه کن (ترجمه با همکاری احمد

منصوری)، دوست کسی است که آدم را دوست دارد (ترجمه)، آدم آهنی (ترجمه).

تالیفات دیگر نادر ابراهیمی

خانه‌ای برای شب، آرش در قلمرو تردید (یا: پاسخ ناپذیر)، مصاب و رویاهای گاجرات، بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم، هزارپای سیاه و قصه‌های صحرا، افسانه باران در سرزمین کوچک من، تضادهای درونی، رونوشت بدون اصل، در حد توانستن (شعرگونه)، غزل داستان‌های سال بد، ابن مشغله (زندگی نامه جلد اول)، ابوالمشاغل (زندگی نامه، جلد دوم)، فردا مشکل امروز نیست، لوازم نویسندگی (از مجموعه «ساختار و مبانی ادبیات داستانی»)، مقدمه‌ای بر آرایش و پیرایش کتاب‌های کودکان، دور ایران در شش ساعت، چهل نامه کوتاه به همسر، آتش بدون دود (داستان بلند هفت جلدی، دریافت جایزه به عنوان برگزیده ۲۰ سال داستان پس از انقلاب)، یک صعود باور نکردنی، تکثیر تأسف انگیز پدر بزرگ، مردی در تبعید ابدی (براساس زندگی ملاصدرا)، حکایت آن ارژدها، بر جاده‌های آبی سرخ (داستان بلند ۱۰ جلدی، براساس زندگی میرمهنای دوغایی)، صوفیانه‌ها و عارفانه‌ها (بخشی از تاریخ تحلیلی پنج هزار سال ادبیات داستانی ایران)، یک عاشقانه آرام، سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می‌آمد (داستان بلند سه جلدی، براساس زندگی امام خمینی (ره) عارف، فیلسوف، سیاستمدار و رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران)، براعت استهلال (از مجموعه «ساختار و مبانی ادبیات فارسی»)، طراحی حیوانات (طرح‌های کوثر احمدی، با گفتاری تحلیلی، در باب مفاهیم و تعاریف «طرح» در هنرها)، الفبا (تحلیل فلسفی ۵۰ طرح از علی اکبر صادقی - نقاش)، مویه کن سرزمین محبوب (ترجمه با همکاری فریدون سالک) و پیش گفتار «کوچه‌های کوتاه» (مجموعه قصه‌های کوتاه گروهی از دانش‌آموزان نادر ابراهیمی، دانش پژوهان نخستین دوره آموزشی «ساختار و مبانی ادبیات داستانی» با پیش‌گفتاری از نادر ابراهیمی).

وی پس از سال‌ها تلاش در پهنه سینما و ادبیات، سرانجام در خردادماه سال ۱۳۸۷ چشم از جهان فروبست.

شعرخوانی

فرشته مهر

نصرالله مردانی در فاصله سال‌های ۵۷ تا ۶۷ طرحی نو در شعر فارسی افکند که در دو محور درون مایه و ساختمان شعر قابل ارزیابی است. نصرالله در شعر معاصر یک جهش بلند از متن تلاش‌های پس از نیما بود که با درک روشنی از ضرورت همدلی و هم‌زبانی موحی از استعدادها را به شاعری برانگیخت و

در ایجاد آنچه به او الهام شده بود، با خود همراه ساخت.

ده سال پرتب و تاب و بی آرامش زندگی مردانی در تمام جغرافیای ایران گذشت و خانواده عزیز او بیش از همه می‌دانند که در طول ده سال مردانی هیچ هفته‌ای را به طور کامل در میان خانواده نبود. در این سال‌ها مردانی هم شعر می‌آفرید و هم شاعر. وی برای راه افتادن مجامع ادبی، کنگره‌های شعر، شب‌های شعر در دور افتاده‌ترین شهرها و روستاهای کشور و در سال‌های دفاع مقدس، در مقدم‌ترین خطوط دفاع پیشگام می‌شد و آنگاه تعدادی از استعدادهایی را که کشف کرده بود، با خود همراه می‌کرد و به منقار عشق می‌گرفت و از این شهر به آن شهر می‌رفت تا هم پیام انقلاب را به همه برساند هم شعری شایسته انقلاب بنیان‌گذار و هم شاعرانی منطبق با پیام انقلاب تربیت کند.

۱- مردانی و اندیشه ولایی: عشق به اهل بیت (ع) از خصلت‌های وجودی مردانی بود که در شعر زندگی او تجلی روشنی داشت. اهل بیت در شعر وی مستقیم و غیرمستقیم حضور دارند؛ چه آنجا که مستقیماً به وصف یا مرثیه‌خاندان عصمت و طهارت می‌پردازد و چه آنجا که در سایر شعرهایش جلوه‌ای از زندگی و زمینه‌های الگویی اندیشه و رفتار آنان را پشتوانه پیام فکری، اخلاقی و اجتماعی خود می‌کند.

به همین جهت رهبری و ولایت فقیه در ذهن و زبان مردانی جایگاهی ویژه داشت. به طوری که در طول ربع قرن انقلاب تاکنون همواره پشت سر رهبری حرکت کرد و دانش‌آموزان خود را نیز به این عبادت مهم تشویق می‌کرد. شاهد مدعا شعرهایی است که مردانی در وصف امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری سروده است و رفتار اجتماعی وی در طول این سال‌ها، که بر همه کسانی که او را می‌شناسند، مبین و مبرهن است.

۲- مردانی و شعر انقلاب: مردانی واژه‌های خود را از متن انقلاب اسلامی برمی‌داشت. واژه‌هایی مثل شهید، شهادت، حماسه، مبارزه، امام، رهبری، قیام، نور، خون و کلمات را به همنشینی تازه در تولد مصراع‌ها و بیت‌های شعر واداشت. چنانچه در شعر او با زبانی متفاوت نسبت به آنچه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در شعر دیدیم مواجه بودیم. زبان متفاوت مردانی بعدها توسط نسل اول و دوم پرورش یافتگان شعر انقلاب به سمت تعادل و تعامل در عناصر پیش رفت و شعر انقلاب را به مرز تبدیل شدن به یک سبک در ادامه سبک‌های شناخته شده شعر فارسی پیش برد. شعری که در قالب غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی و چهارپاره نشان داده شده و نمونه‌های آن را در شعر مردانی و سایر شاعران شعر انقلاب می‌توان دید.

۳- مردانی و شاعران انقلاب: آنچه به ارتباط مردانی و شاعران انقلاب برمی‌گردد، در دو دهه

قابل بررسی است. در نیمه اول دهه اول او بزرگسال تر از خود و هم سن و سالان خود را در گوشه گوشه ایران پیدا کرد و به همراه آنها جرگه شاعران انقلاب را بنیان گذاشت. مردانی در نیمه دوم دهه اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سراغ نسل بعد از خود رفت و از میان دانشجویان، طلاب و در مواردی دانش آموزان استعداد‌های ادبی را یافت و در ایثاری وصف ناشدنی خود را وقف پرورش و رشد نسل جوان شعر انقلاب کرد. بی تردید حرکت‌های مردانی و شاعران جوان متأثر از مردانی شعر دانشجویی، شعر طلاب و شعر دانش آموزی را در قالب کنگره‌ها و جشنواره‌ها و شب‌های شعر به وجود آورد. نصرالله مردانی در تمامی این برنامه‌ها نقش ممتاز و پیش برنده داشت؛ اگرچه همواره از دیده شدن پرهیز داشته و کارهای پیدا را به دیگران می‌سپرد.

مردانی شاعر گروه‌های پیش گفته را به سازمان‌ها و مجامعی که سر فعالیت ادبی به بهانه موضوعات میهنی و دینی داشتند، معرفی می‌کرد و برخی از آنها را در سال‌های دفاع مقدس به جبهه نبرد می‌برد تا هم در میان رزمندگان شعر بخوانند و موجب تقویت روحیه آنها شوند و هم خود از دانشگاه دفاع مقدس درس بگیرند. در همان سال‌ها شعر عاشورایی به شکلی که امروز در میان شاعران مرسوم است، توسط وی ترویج و پشتیبانی شد.

۴- مردانی و دفاع مقدس: مردانی درخشان‌ترین دوره زندگی ادبی خود را به دفاع مقدس اختصاص داد؛ با رزمندگان از این مرزو و بوم دفاع کرد و با شهیدان تا ارتفاعات شهادت پروبال زد. مردانی با هیجان، استوار و معتقد به گسترش شعر دفاع مقدس قیام کرد و قیام نور را در «خون نامه خاک» متجلی ساخت و «سمنند صاعقه» را برای اوج گیری رزمندگان در عرصه دفاع مقدس روز به روز مهیاتر ساخت و بر «ستیع سخن» شعر متعهد زمانه ایستاد.

۵- مردانی و شعر فارسی: نصرالله مردانی شاعر زمانه خود بود و از شعر زمانه درکی روشن و خاص داشت. او ادامه راه بزرگان شعر و ادب و زنده نگه داشتن شعر، ادب و زبان فارسی را بر خود واجب می‌دانست، اما با این باور که هر دوره‌ای شعری را می‌طلبد و هر شعری زبانی؛ با توان خارق‌العاده خود قالب غزل، مثنوی و رباعی را جان دیگر بخشید و دوبیتی پیوسته را از فضای رختناک احساس‌های رماتیک خارج ساخت، عشق و حماسه را به هم آمیخت و عرفانی نو را در عرصه شعر و ادب فارسی بنیان گذاشت.

۶- مردانی و آرمان‌های اخلاقی: مردانی که شیعه آگاه اهل بیت (ع) بود در تمام زندگی خود بر مدار آموزه‌های اهل بیت (ع) حرکت کرد. شخصیتش آنچه بود که در شعرش دیدیم و شعرش همان بود که در شخصیتش دیدیم. هر کس پس از خواندن شعر مردانی، مردانی را می‌دید، به این واقعیت

اعتراف می‌کرد. به جز اشعاری که در وصف اهل بیت، شهیدان و ... سرود، حتی اشعار عاشقانه‌ی
نیز اشعاری پاک، بی‌آلایش و مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی بود.

نصرالله مردانی، در بیستم اسفندماه، سال ۱۳۸۲ خورشیدی درگذشت.

(نوشته «خلیل عمرانی» منبع اینترنت)

شعر «فرشته مهر» برای توصیف عظمت و ارجمندی مقام مادر مبتنی بر آموزه‌های دینی و برآمده
از فرهنگ اسلامی است که شاعر آن را در قالب چهارپاره یا دوبیتی پیوسته سروده است. در بند نخست
«ایمان و قرآن» و در بند دوم «خورشید و امید» و در بند سوم «اذان و قرآن» ... قافیه قرار گرفته‌اند.

درون مایه این سروده بر حدیث نبوی (ص) «الجنة تحت اقدام الامهات: بهشت زیر گام‌های
مادران است» استوار است و پیوستگی کاملی هم با عنوان فصل که مهرورزی و ادب است، دارد.

درس ششم: علم زندگانی

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با واژه‌های جدید و معانی و کاربرد آنها
- ۲- ایجاد نگرش مثبت نسبت به اهمیت تجربه در زندگی
- ۳- پرورش مهارت خوانش صحیح شعر
- ۴- آشنایی با آرایه‌های موجود در شعر، مثل: ضرب المثل، تشبیه و ...
- ۵- پرورش ذوق و استعداد و خلاقیت ادبی
- ۶- به کارگیری آداب اخلاقی پسندیده در زندگی روزمره
- ۷- آشنایی بیشتر با مضم
- ۸- تقویت توانایی برگرداندن شعر به نثر

روش‌های پیشنهادی تدریس

تلفیقی (خطابی، کارایی گروه، ایفای نقش)

نکات مهم درس

قالب مثنوی: یکی از قالب‌های شعر فارسی است، شامل بیت‌های پیاپی در یک وزن که هر بیت آن قافیه‌ای مستقل و جداگانه دارد و از آنجا که هر بیت دارای دو قافیه است، آن را مثنوی (منسوب به کلمه «مثنی» به معنای دو تا دو تا یا دوگانی) می‌نامند. تعداد بیت‌های مثنوی محدودیتی ندارد و بنا به دامنه مطلب می‌تواند افزایش یابد.

مثنوی در زبان فارسی، بهترین قالب برای سرودن منظومه‌های بلند و داستانی در موضوع‌های متفاوت عشقی، تاریخی، حماسی (حماسه) و عرفانی (شعر عرفانی) است.

از نخستین دوره پیدایش شعر فارسی، یعنی از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، شاعران ایرانی شروع به پرداختن منظومه‌هایی در قالب مثنوی در موضوع‌های مختلف کردند.

بیت‌های پراکنده‌ای که از شاهنامه مسعودی مروزی (اواخر قرن سوم) و کلیله و دمنه رودکی (متوفی ۳۲۹ ق) باقی مانده است، نشانه قدمت کاربرد این قالب شعری در میان شاعران فارسی زبان است. همین قدیمی‌ترین نمونه‌ها نشان می‌دهد که شاعران به سرودن مثنوی با مضمون‌های اخلاقی و به

صورت داستان و تمثیل و همچنین مثنوی‌هایی با مضمون‌های حماسی توجه داشته‌اند و سرمشق کار آنها در سرودن این هر دو نوع، کتاب‌ها و منابعی است که از دوران قبل از اسلام در دست بوده است. ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی (متوفی ۴۴۶ ه.ق)، روشنایی نامه ناصر خسرو قبادیانی (متوفی ۴۸۱ ه.ق)، حدیقه الحقیقه و کارنامه بلخ سنایی (متوفی ۵۲۵ یا ۵۳۵ ه.ق)، منطق الطیر عطار (۶۱۸ - ۵۴۰ ه.ق)، بوستان سعدی (۶۹۱-۶۰۶ ه.ق) منظومه‌های پنجگانه نظامی گنجوی (۶۱۹ - ۵۳۰ ه.ق) و سرانجام مثنوی معروف جلال الدین محمد مولوی (۶۷۲-۶۰۴ ه.ق) نمونه‌های برجسته مثنوی سرایی در موضوع‌ها و مضمون‌های مختلف‌اند.

علاوه بر منظومه‌ها، شاعران اغلب قالب مثنوی را برای سرودن ساقی‌نامه، مغنی‌نامه، حکایت‌های کوتاه یا بیان مضمون‌های مختلف عشقی، فلسفی و پند و اندرز به کار برده‌اند و نمونه‌های فراوان از این نوع مثنوی‌های کوتاه را در دیوان بسیاری از شاعران فارسی زبان می‌یابیم. از نکات زبانی به کار رفته در این درس، پسوند (ـک) است: بامک، شاخک و...، این پسوند کاربرد معنایی گوناگونی دارد:

- اندکی، تقلیل، کمی، کوتاهی، مانند بهترک، دیرترک
 - تحبیب، ترحم و دلسوزی، دوستی و ... مانند: بابک، طفلک، مامک، ساده دلک
 - تحقیر (بی ارزش نشان دادن) و توهین و ... مانند اشترک، شاعرک، روبهک، وزیرک
 - تصغیر، کوچکی، مانند: آدمک، کرمک، مرغک، پستانک
 - چگونگی، حالت، کیفیت و وضع مانند نرمک
 - شباهت (تشبیه، مشابهت) نسبت مانند: پشمک، پولک، سگک.
- پسوند -ک در کلمه‌های بامک و شاخک معنای کوچکی و خردی را بیان می‌کند.
- توضیح: ترکیب «جوکنار»: ترکیب اضافی مقلوب یا وارونه است که اسم مرکب ساخته و در اصل «کنار جو» بوده است.

آرایه‌های موجود در شعر

مراعات نظیر: آوردن واژه‌هایی از یک مجموعه است که با هم تناسب دارند. این تناسب می‌تواند از نظر جنس، نوع مکان، زمان، همراهی و ... باشد.

اشتقاق: هم ریشگی دو یا چند کلمه است که سبب می‌شود واج‌های آنها یکسان باشد. تکرار این واج‌های همانند بر موسیقی درونی سخن می‌افزایند. جناس‌های هم ریشه دارای اشتقاق نیز

خواهند بود.

«پريد از شاخكي بر شاخساري گذشت از بامكي بر جو كناري»

(در بيت بالا بين شاخك و شاخسار هم مراعات نظير است و هم اشتقاق)

كنايه : پوشيده سخن گفتن است، درباره امري با بيان نشانه، نمونه يا دليل آن امر

«فتاد از پاي، كرد از عجز فرياد ز شاخي مادرش آواز در داد»

(فتاد از پاي كنايه از ناتواني است)

«هنوزت نيست پاي برزن و بام هنوزت نوبت خواب است و آرام»

(بين برزن و بام، مراعات نظير است)

جناس ناقص : جناس ناقص سه حالت دارد :

جناس ناقص حركتي : يكسان بودن دو يا چند واژه در صامت‌ها و اختلاف آنها در مصوت‌هاي

كوتاه است : مانند دُرد و دَرَد.

جناس ناقص اختلافي : اختلاف دو كلمه در حرف اول، وسط و يا آخر است.

مانند : كيش، ريش/ بازار، بيزار/ ياد، يار.

جناس ناقص افزايشي : اختلاف در تعداد حروف است؛ مانند دوست، دست/ آرام/ رام.

(تو را توش هنر مي بايد اندوخت حديث زندگي مي بايد آموخت)

(بين «تو» و «توش» جناس ناقص افزايشي است.)

تشبيه : ادعای همانندی بين دو چيز است و چهار ركن (پايه) دارد :

مشبه : چيزي ياكسي كه قصد مانند كردن آن را داريم.

مشبهٔ به : چيزي يا كسي كه مشبه به آن مانند مي شود.

ادات تشبيه : واژه‌اي است كه نشان دهندهٔ پيوند شباهت است. اين واژه مي تواند حرف فعل

و ... باشد.

وجه شبه : ويژگي يا ويژگي‌هاي مشترك ميان مشبه و مشبهٔ به است.

(وجه شبه معمولاً بايد در مشبهٔ به، بارزتر و مشخص تر باشد.)

«من اينجا چون نگهبانم تو چون گنج تو را آسودگي بايد مرا رنج»

(تشبيه مادر كبتور به نگهبان و بچهٔ كبتور به گنج. بين گنج و رنج جناس ناقص اختلافي است.)

مجاز : به كار رفتن واژه‌اي است در غير معنای حقيقي، به شرط وجود علاقه و قرينه.

علاقه : پيوند و تناسبی است كه ميان حقيقت و مجاز دارد اگر علاقه نباشد، مجازي هم نخواهد بود.

قرینه : نشانه‌ای است که ذهن را از حقیقت باز می‌دارد و بر دو نوع است : لفظی و معنوی .
بیشتر قرینه‌ها لفظی‌اند و منظور از قرینه معنوی شرایط زمان و مکان است که نشانه دهنده مجاز بودن واژه است .

رایج ترین مجازها عبارت‌اند از :

- جزئیة : جزئی از یک چیز به جای تمام آن چیز به کار می‌رود .
- کلیه : تمام یک چیز به جای جزئی از آن به کار می‌رود .
- محلیه : محل چیزی به جای خود آن چیز می‌آید .
- سببیه : سبب چیزی جانشین خود آن چیز می‌شود .
- لازمیة : چیزی به دلیل همراهی همیشگی با چیزی به جای آن به کار می‌رود .
- آلیه : ابزاری جانشین کاری می‌شود که با آن ابزار انجام می‌شود .
علاق نامحدودند و نباید آنها را در شمار خاصی محدود کنیم .
«گه از دیوار سنگ آمد، گه از در گهم سرینجه خونین شد، گهی سر»
(در و دیوار مجاز از افراد پشت در و دیوار است .)

استعاره مکنیه (کنایی) : مشبیه است که به همراه یکی از اجزا یا ویژگی‌های مشبیه می‌آید .
این ویژگی «مشبیه به» یا یکی از «وجه شبه‌های» بین مشبه و مشبیه به است . این جزء یا ویژگی می‌تواند به مشبه اضافه گردد و یا به آن اسناد داده شود . در حالت اول، یعنی استعاره مکنیه که از اضافه شدن چیزی به مشبه به دست آید، همان است که در دستور زبان «اضافه استعاری» خوانده می‌شود . استعاره مکنیه‌ای که «مشبیه به» آن «انسان» باشد، «تشخیص» یا «انسان انگاری» نام دارد .

«هجوم فتنه‌های آسمانی

مرا آموخت علم زندگانی»

(هجوم فتنه‌ها استعاره مکنیه است)

ضرب المثل : عباراتی که در بردارنده نکته یا لطیفه یا پندی است و در میان مردم رایج می‌شود .

«نگردد شاخک بی بن برومند

ز تو سعی و عمل باید زمن پند»

(تمام بیت به ویژه مصراع اول ضرب المثل (ارسال مثل) است)

پروین اعتصامی : او به سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در تبریز دیده به جهان گشود . تحصیلات ابتدایی را نزد پدر دانشمند خویش یوسف اعتصامی آشتیانی (اعتصام الملک) و آموزگاران خصوصی فرا گرفت و به این طریق با فارسی و عربی و ادبیات این دو زبان آشنایی کامل یافت . سپس برای آموختن زبان انگلیسی، وارد کالج آمریکایی تهران شد و از آنجا گواهی نامه گرفت . وی از کودکی دلبستگی

ویژه‌ای به شعر و ادبیات نشان می‌داد و در این راه بهترین مشوق و مربی او پدر ادیب و فاضلش بود که برای پرورش ذوق و استعداد وی، قطعات زیبا و لطیفی از نوشته‌های خارجی را به نام فارسی ترجمه می‌کرد و به پروین می‌داد تا آنها را به نظم فارسی درآورد. پروین از کودکی - در حدود سن هشت سالگی - شعر می‌گفت و نخستین اشعارش را نیز در مجلهٔ بهار که به وسیلهٔ خود اعتصام الملک منتشر می‌شد، چاپ می‌کرد. دیوان پروین شامل ۶۵۰ بیت است.

پروین در همهٔ سفرهای پدرش در داخل و خارج ایران، همراه وی بود. در مجالس درس و بحث، و در مجامعی که در خانهٔ پدرش - که میعادگاه ارباب فضل و دانش بود - تشکیل می‌شد، شرکت می‌کرد و حاضران را با قریحهٔ سرشار و استعداد فراوان خود دچار حیرت می‌ساخت. در تیرماه ۱۳۱۳ هجری شمسی با پسرعموی خویش ازدواج کرد و چهار ماه بعد به خانهٔ شوهر در کرمانشاه رفت؛ اما بعد از دو ماه و نیم نزد پدر بازگشت و در مرداد ۱۳۱۴ رسماً از شوهرش جدا شد. پروین این پیشامد را که فرایند یک ازدواج نامبارک بود، با متانت و خونسردی شگفت‌آوری، تحمل کرد و تا پایان عمر کوتاه خود از آن ماجرا سخنی بر زبان نیاورد و شکایتی نکرد.

منابع

- ۱- دیوان پروین اعتصامی
- ۲- با کاروان حله دکتر عبدالحسین زرین کوب
- ۳- نگاهی تازه به بدیع دکتر سیروس شمیسا
- ۴- انواع ادبی دکتر سیروس شمیسا
- ۵- صناعات ادبی استاد جلال الدین همایی
- ۶- فرهنگ وندهای زبان فارسی دکتر ضیاء الدین هاجری

حکایت: بستان العارفين

«بستان العارفين و تحفة المریدین» رسالهٔ دوم از مجموعهٔ دو رسالهٔ «منتخب روتق المجالس و بستان العارفين و تحفة المریدین» است.

«بستان العارفين» رساله‌ای است بی‌آغاز و انجام و حاوی حکایت‌های مربوط به صوفیان مانند بایزید بسطامی، سفیان ثوری، صالح سمرقندی، رابعه و ...

رسالهٔ «بستان العارفين» مجموعاً ۱۷۴ صفحه است؛ به قطع رقعی (تقریباً ۱۱×۱۷ سانتی متر) و هر صفحه دارای ۱۷ سطر است.

اصل این رساله در کتابخانه دانشگاه دولتی «برلین» آلمان است و نسخه عکس گرفته شده از آن، در کتابخانه «اسعد افندی» ترکیه است.

در این رساله هیچ گونه تاریخی دیده نمی‌شود؛ اما تصحیح کننده آن (آقای دکتر احمد علی رجایی) با توجه به ضمیمه بودن این رساله با رساله «رونق المجالس» احتمال می‌دهد که در قرن ششم هجری قمری - یا اندکی پیش از آن - تحریر یافته است (سال ۵۲۳ هجری قمری).

دکتر احمد علی رجایی در مقدمه این مجموعه نوشته است: «چنین به نظر می‌رسد که «منتخب رونق المجالس» را مردی چربدست و شیرین قلم و صاحب‌دل نگاشته است؛ اما رساله ضمیمه آن یعنی «بستان العارفین و تحفة المریدین» احتمالاً به وسیله کاتبی کم سواد و بی‌دقت نوشته شده است؛ زیرا آثار نوسازی و دستکاری در عبارات آن هویدا است».

مؤلف هیچ کدام از این دو رساله، تاکنون شناخته نشده‌اند؛ اما آنچه مسلم است در زمان سلطنت «عبدالحمید ثانی» (پادشاه عثمانی) در سیزدهم رمضان سال ۱۳۰۵ هجری قمری در چاپخانه مکه معظمه به وسیله سید خلیل بن سید مصطفی (حافظ کتب حرم) به چاپ رسیده است.

گفتنی است که در بعضی از کتابخانه‌های معتبر کشور، کتاب دیگری مشابه این کتاب وجود دارد، به نام «بستان العارفین گلستان العابدین» که در قرن یازدهم هجری توسط «زین العابدین احمد شیروانی» تألیف شده است. این کتاب نیز حکایت‌هایی به نظم و نثر در باب اخلاق و عرفان دارد.

درس هفتم: زندگی همین لحظه‌هاست

اهداف آموزشی

- ۱- آشنایی با ارزش و اهمیت دوره نوجوانی و جوانی و اغتنام فرصت
- ۲- نگرش مثبت نسبت به زندگی، آینده و توانایی‌های خویش
- ۳- آشنایی با شیوه‌ها و مهارت‌های بهره‌گیری از فرصت‌ها
- ۴- آشنایی با فعل اسنادی در زبان فارسی
- ۵- آشنایی با عنصر تخیل در ادب فارسی

این درس در فصل اخلاق و زندگی آمده است. زیبا زیستن و به کار بستن اخلاق نیکو در زندگی مستلزم شناخت درست توانایی‌ها و امکانات است. از جمله مهم‌ترین این امکانات زمان و فرصت‌های انسانی است. در این درس دانش‌آموز می‌آموزد که «زیستن و زندگی زیبا و اخلاق پسند» تنها همان فرصت‌هایی است که با رفتارهای زیبا و کارهای بزرگ می‌گذرد (متن درس).

روش‌های پیشنهادی تدریس

این درس را با روش‌هایی چون روش کارآیی تیم، روش بحث و گفت‌وگو، روش پرسش و پاسخ و ... می‌توان تدریس کرد.

نکات مهم درس

- ۱- چون درس در فصل اخلاق و زندگی آمده است، باید در جهت تحقق اهداف فصل یعنی بهره‌گیری از فرصت‌ها برای زندگی شاداب، متعالی و روبه رشد و فعال و پرشور تبیین و تحلیل شود.
 - ۲- متن درس، ثری روان، ساده، تأثیرگذار و عمیق دارد که با بهره‌گیری از آیات و روایات و شعر به القای مفاهیم پرداخته است.
 - ۳- جمله نخستین درس از امام حسین (ع) است: «باین آدم اَمانت ایام؛ ای فرزند آدم (ای انسان) تو مجموعه‌ای از روزها هستی». ارشادالقلوب دیلمی ص ۴۰ باب هفتم. داستان اسکندر و سنگ مزارها را یاقوت حموی نیز ذکر کرده است.
- رباعی زیبایی‌های خیم گویی همان شعر امیرمؤمنان علی (ع) است که در قالب رباعی گنجانده شده است. ایشان فرموده است:

ما فات مَضَى و ما سَيَاتِيكَ فَايْن

فَمُ فَاغْتَنِمِ فُرْصَةَ بَيْنَ الْعَدَمِينَ

آنچه از دست رفت (زمان رفته)، گذشته است و زمانی که نیامده (آینده)، کجاست؟ برخیز و فرصت میان دو عدم (گذشته و آینده) را دریاب (زمان حال را دریاب)؛ چون ممکن است از این رباعی بهره گیری‌های لذت طلبانه و خوش باشی شود، توضیحات روشنگرانه آمده است.

۴- در فرهنگ دینی ما به نگاه عبرت آموز، تفکر، تأمل و ژرف نگری در پدیده‌ها توجه شده است. در توصیف پیامبر (ص) گفته اند: «نظرة عبرة و سكوته فکرة؛ نگاه پیامبر همراه با عبرت گرفتن بود و سکوت او همراه با اندیشیدن».

۵- از دست دادن فرصت‌ها جز غصه و اندوه چیزی همراه ندارد. این جمله ترجمه سخن علی (ع) است که می‌فرماید «اضاعَةُ الفرصة غُصَّة»

و آخرین جمله ترجمه این جمله نهج البلاغه که: «الفرصة تُمرُّ مَرَّ السحاب فانتهبوا فُرص الخیر». بیتی که در تصویر این درس آمده، برگرفته از سروده «دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی» است که این گونه آغاز می‌شود:

سال‌ها رفت و نشد فردا پدید
آه از این فردای ناپیدای من ...

۶- رباعی یا چهارگانه: سروده‌ای است چهار مصراع‌ی که عنوان «رباعی» از همین ویژگی گرفته شده است. وزن رباعی را با عنوان مشهور «لا حول و لا قوة الا بالله» یا مفعول مفاعیل مفاعیل فعل معلوم می‌سازند. رباعی‌های قدیم هر چهار مصراع با یکدیگر هم قافیه بوده‌اند؛ اما در رباعی‌های جدید مصراع سوم هم قافیه نیستند و تنها سه مصراع اول، دوم و چهارم با یکدیگر هم قافیه‌اند.

از قالب رباعی برای بیان اندیشه‌های فلسفی، عارفانه، عاشقانه، اجتماعی و ... استفاده شده است. مشهورترین رباعی گوی ادبیات فارسی، خیام است. سنایی، عطار، مولانا، و حافظ نیز رباعیات فراوان دارند.

۷- عباس اقبال آشتیانی در سال ۱۲۷۵ شمسی در آشتیان دیده به جهان گشود و تا چهارده سالگی را به نجاری گذراند، سپس تحصیل را آغاز کرد. وی در دارالفنون با چهره‌های بزرگی چون ملک الشعرا بهار، غلامرضا رشید یاسمی و سعید نفیسی آشنا شد. مدت‌ها نیز در دانشگاه سوربن پاریس تدریس کرد و با علامه محمد قزوینی و متفکران اروپایی آشنا شد. پس از بازگشت از اروپا عضو فرهنگستان و استاد دانشگاه شد و مجله یادگار را منتشر کرد. اقبال آشتیانی بعدها به عنوان ریزن فرهنگی ایران در ترکیه مشغول کار شد و در سال ۱۳۲۸ یعنی در ۵۳ سالگی در همانجا درگذشت.

پیکر وی به ایران منتقل و در آستان مبارک حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. از وی حدود

شصت اثر همچون تاریخ مغول، جزایر و بنادر خلیج فارس، خاندان نوبختی و... باقی است. دوپست مقاله از وی به جای مانده است. نثر وی دقیق، عمیق و استوار است. با بهره گیری از منابع کمکی چون کتاب‌های مرتبط به موضوع، نوارهای CD، تصاویری از رباعیات خیام، نهج البلاغه و... می‌توان تدریس را ژرفا و گسترش بخشید.

منابع کمکی

- ۱- نهج البلاغه، علی بن ابیطالب، ترجمه‌های فیض الاسلام، دکتر سید جعفر شهیدی
 - ۲- رباعیات خیام (چاپ‌های معتبر)
 - ۳- سیر تحول رباعی (دکتر سیروس شمیسا)
 - ۴- خانه ام ابری است (دکتر تقی پور نامداریان)
- نکاتی دربارهٔ روان خوانی: روان خوانی بیشتر برای تقویت مهارت خواندن، علاقه‌مندی به مطالعه، تقویت و هدایت عواطف، احساسات، تفکر و گسترش دنیای ذهن و گنجینهٔ واژگان دانش‌آموزان است. این بخش در پرورش ذوق و استعداد، تخیل، نگرش مثبت به زندگی و ارزش‌های دینی، اجتماعی و تربیتی مؤثر است.

اهداف این بخش شامل:

- ۱- تقویت و توسعهٔ توانایی خواندن
 - ۲- توانایی دریافت ارتباط معنای بخش‌های مختلف یک متن
 - ۳- توانایی درک پیام اصلی متن
 - ۴- توانایی بلندخوانی و صامت خوانی
 - ۵- تقویت روحیهٔ اعتماد به نفس و صحبت کردن در جمع
 - ۶- توانایی بررسی محتوای یک متن ساده
 - ۷- توانایی به کارگیری کارافزارهای مناسب در خواندن
 - ۸- توسعهٔ عادات و آداب مطلوب در خواندن
 - ۹- گسترش دایرهٔ دید در خواندن
 - ۱۰- افزایش سرعت در خواندن و مطالعه
- در آموزش این درس می‌توان از نمایش فیلم یا عکس در زمینهٔ آثار و بناهای تاریخی اصفهان استفاده کرد.

روان خوانی سفرنامه اصفهان

نکات مهم

- ۱- آشنایی با سفرنامه و خاطره نویسی
- ۲- آشنایی با طنز
- ۳- آشنایی با زبان محاوره
- ۴- تقویت علاقه و نگرش مثبت به سفرنامه نویسی، خاطره نویسی و طنز و مطالعه

نکاتی درباره درک و دریافت

یکی از توانایی‌های ذهن آدمی، توانایی تفکر و اندیشیدن است. فکر کردن به انسان کمک می‌کند تا ضمن پرداختن به مسائل و امور روزمره زندگی، از عهده حل مشکلات نیز برآید. یکی از وظایف مراکز آموزشی به ویژه مدارس و معلمان این است که توانایی فکر کردن را در دانش‌آموزان ایجاد و تقویت کنند. در زمینه آموزش تفکر حداقل دو مکتب فکری وجود دارد. گروهی عقیده دارند تفکر فطری و ذاتی است و نیازی به اکتساب و آموختن ندارد و در مقابل عده‌ای دیگر بر این باورند که تفکر را می‌توان در تمام دوران زندگی به طرق مختلف آموزش داد. بر این اساس یکی از اهداف کتاب‌های فارسی به ویژه در بخش روان خوانی به دلیل هماهنگی بین ذهن و زبان تقویت توانایی تفکر از طریق مهارت خواندن و درک مطلب است؛ بنابراین دبیران محترم ادبیات لازم است به این نکته مهم توجه داشته باشند که هنگام تدریس کتاب، در بخش روان خوانی هم به روخوانی و هم به درک مطلب اهمیت بدهند و درک مطلب محقق نمی‌شود مگر آنکه از شیوه‌های متنوع از جمله طرح سؤال، پاسخ به سؤال‌های واگرا، تحلیل متن ... استفاده شود.

همانطور که پیش‌تر گفته شد، یکی از مهارت‌های اصلی زبان که نیاز به آموزش مستقیم دارد و تأثیر آن در دیگر مهارت‌ها بسیار زیاد است، مهارت «خواندن» نامیده می‌شود. منظور از مهارت خواندن - برخلاف تصور برخی - روخوانی و بلندخوانی یک متن نیست؛ بلکه درک مطلب و دریافت مفهوم یک نوشته به شمار می‌آید. روان‌خوانی‌ها، یکی از بخش‌های موجود در کتاب‌های فارسی دوره متوسطه یک است که تقویت این مهارت را دنبال می‌کند و بر آن است تا با ارائه متن‌هایی جذاب، دانش‌آموزان را به خواندن و درک مطلب وادارد و التذاذ را در آنها ایجاد کند. در پایان هر روان خوانی تعدادی سؤال دیده می‌شود که بیشتر واگرا هستند و دانش‌آموزان را به تأمل و تفکر عمیق‌تر وامی‌دارد و بازخورد داستان را طلب می‌نماید. این پرسش‌ها با سطوح و عناوین مختلفی طراحی شده‌اند.

توجه به این نکته نیز مهم است که پرسش‌های «درک و دریافت» با رویکرد «واگرا» طرح شده‌اند و در حقیقت ابزاری هستند برای سنجش درک و دریافت محتوا. دبیران محترم می‌توانند با توجه به ویژگی‌های این گونه سؤالات، نمونه‌های دیگری ارائه دهند یا از خود دانش‌آموزان کمک بگیرند. یادآوری می‌شود که پاسخ این پرسش‌ها به صورت گفت‌وگو و مشورت و همیاری دانش‌آموزان انجام می‌گیرد.

ارزشیابی از این بخش‌های کتاب در آزمون‌های مستمر و تکوینی به عنوان نمره فارسی خواندن (شفاهی) محاسبه خواهد شد.

در این روان‌خوانی، سفرنامه‌ای طنز آلود به رشته تحریر درآمده است و زبان آن، عامیانه و ساده است که احساسات درونی یک نوجوان را به تصویر می‌کشد.

این نوشته، داستان چهاردهم از کتاب «قصه‌های مجید» اثر هوشنگ مرادی کرمانی، با کمی تلخیص است. هوشنگ مرادی در سال ۱۳۲۳ در روستای سیرچ کرمان به دنیا آمد و تحصیلات خود را همان‌جا آغاز کرد و در کرمان و تهران ادامه داد. او در رشته زبان انگلیسی تحصیل کرده است. وی نویسندگی را از سال ۱۳۳۹ در رادیو کرمان آغاز کرد و در سال ۱۳۴۷ اولین داستان‌های او در مطبوعات منتشر شد. اولین کتاب او در سال ۱۳۴۹ منتشر شده است؛ اما تا سال ۱۳۵۸ کتاب دیگری منتشر نکرد. از این نویسنده تاکنون آثار فراوانی منتشر شده که معروف‌ترین آنها، مجموعه پنج جلدی «قصه‌های مجید» است.

کتاب‌های مرادی کرمانی برای او هجده جایزه داخلی و هشت جایزه خارجی به ارمغان آورده است. داستان‌های شیرین او به زبان آلمانی، اسپانیایی، عربی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی ترجمه شده است. همچنین براساس کتاب‌های او چندین فیلم تلویزیونی و سینمایی ساخته شده است. او در نوشتن فیلم نامه و نمایش نامه نیز دست دارد. بی تردید او یکی از شناخته شده‌ترین چهره‌های ادبیات کودک و نوجوان ایران زمین است. طنز، صمیمیت و مردمی بودن عامل اصلی توفیق قصه‌های اوست.

آثار معروف او عبارت‌اند از:

۱- بچه‌های قالی‌باف خانه

۲- نخل

۳- چکمه

۴- قصه‌های مجید

۵- داستان آن خمره

۶- مشت بر پوست

۷- تنور

۸- کوره

۹- مهمان مامان

۱۰- مربای شیرین

۱۱- لبخند انار

مواد و منابع آموزشی

برای آموزش این درس می‌توان از فیلم‌ها و نمایش‌نامه‌های هوشنگ مرادی کرمانی به ویژه قصه‌های مجید استفاده کرد. همچنین دانش‌آموزان می‌توانند با استفاده از رایانه به جست‌وجوی آثار مرادی کرمانی بپردازند.

منابع اطلاعاتی و خواندنی مناسب

- ۱- کتاب‌های هوشنگ مرادی کرمانی همچون قصه‌های مجید، چکمه، مهمان مامان و ...
- ۲- سفرنامه‌های متنوع همچون خسی در میقات جلال آل احمد
- ۳- نوشته‌های طنز از نویسندگان دیگر مانند کیومرث صابر (گل آقا) و ...